

نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال سوم / شماره ۲۵ / دی ماه ۱۴۰۲



برخی عناوین این شماره:

* ریل‌گذاری‌های نسل‌مانا برای سال پیش رو

* آنجا که رنگ و نور و تماشا بریل شد؛ نگاهی به جایگاه بریل در دنیای امروز و مقایسه آن با ایران

* یک جهان آگاهی زیر انگشتان نابینایان

* تبعیض زیر نام برابری جولان می‌دهد

* کدام‌یک کارآمدتر است: آموزش در مدارس استثنایی یا به صورت تلفیقی

فهرست

- ریل‌گذاری‌های نسل مانا برای سال پیش رو..... ۲
- گزارش عملکرد انجمن نایب‌نایان ایران (دی ۱۴۰۲)..... ۵
- پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریه‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی ۷
- آنجا که رنگ و نور و تماشا بریل شد؛ نگاهی به جایگاه بریل در دنیای امروز و مقایسه آن با ایران ۱۰
- پیچ و خم‌های تعامل والدین نابینا و فرزندانشان ۱۳
- چگونه هوش مصنوعی می‌تواند در مسیریابی به نابینایان و کم‌بینایان کمک کند ۱۵
- وضعیت اعتبار شهادت نابینایان و ناشنوایان در دادگاه‌ها ۱۷
- کدام یک کارآمدتر است: آموزش در مدارس استثنایی یا به صورت تلفیقی ۱۹
- مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا ۲۱
- آموزش جهت‌یابی به نابینایان، متولی ندارد..... ۲۳
- تازه‌های بیماری آرپی ۲۶
- نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا ۲۸
- تبعیض زیر نام برابری جولان می‌دهد ۳۰
- فرصت‌ها را نسوزانید ۳۱
- صاحب‌امتیاز:** انجمن نایب‌نایان ایران
- مدیرمسئول:** امیر سرمدی
- سردبیر:** امید هاشمی
- نویسندگان:** رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سرمدی، جواد سقا، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، امین عرب، امید هاشمی و زهرا همت
- مترجمان:** میثم امینی، مریم مشایخی و امید هاشمی
- ویراستار:** فاطمه محسن‌زاده
- ویراستار بریل:** روح‌الله رنجبر
- طراح لوگو و جلد:** ترانه میلادی
- عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها:** اشکان آذرماسوله، نگین حیدری، امیر سرمدی، رقیه شفیعی و امید هاشمی
- گوینده نسخه صوتی:** زهرا همت
- تنظیم نسخه‌های الکترونیکی:** زهرا همت
- مدیر شبکه‌های اجتماعی:** امیر سپهری
- مدیر صفحه اینستاگرام:** اعظم چلوی
- چاپ بریل:** بخش نابینایان کتابخانه مرکزی یزد
- صحاف:** ماهرخ تجا
- توزیع:** اداره کل پست استان یزد
- حامیان مالی:** بانک مسکن، شرکت دانش‌بنیان پکتوس
- با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

است، بلکه گاهی اوقات با مطالبی که با خطوط قرمز انجمن به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد در تضاد است، مقابله نمی‌کند. اگر نسل مانا در سال‌های گذشته اندک اقبالی هم در میان اعضای جامعه هدف پیدا کرده باشد، یکی از عوامل آن عدم پایبندی به خط و خطوط و محافظه‌کاری‌های مرسوم و بی‌دلیلی است که انجمن‌های نابینایی در قبال سازمان‌های دولتی دارند؛ سکوت مطلق در برابر سیاست‌های ناکارآمد بهزیستی، استثنایی و سایر سازمان‌هایی که به‌نوعی حیات و ممت این سمن‌ها به نوع رابطه آنها با این نهادها گره خورده است، اما نسل مانا بدون توجه به این محدودیت‌ها، همواره صریح‌ترین و بی‌پرده‌ترین نقدها را علیه سازمان‌های دولتی مرتبط با اعضای جامعه هدف خود مطرح کرده است؛ بدون آنکه باکی از برخوردهای احتمالی با خود و انجمن داشته باشد.

گاه بیان مواضع نسل مانا آن‌قدر مستقیم و صریح بوده است که بسیاری اعتقاد دارند نسل مانا مجله‌ای سیاسی است تا نشریه‌ای فرهنگی و اجتماعی، اما ماهیت بیش از ۸۰ درصد سرویس‌های نسل مانا نشان می‌دهد عمده مطالب منتشر شده در این ماهنامه، در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و فناوری نابینایان است. گاه مطالب سه سرویس یادداشت مدیرمسئول، گزارش و ستون خاطرات موشکاف، بنا به ماهیتی که دارند، عملکرد و مدیران سازمان‌های دولتی مربوط با معلولان را زیر ذره‌بین می‌برند، اما چه کنیم که متأسفانه در کشور ما و به‌ویژه در سال‌های اخیر، انتقاد از رئیس سازمان بهزیستی یا آموزش و پرورش استثنایی را به‌مانند نقدی سیاسی به‌شمار می‌آورند و منتقدان آن را به زیر سؤال بردن کلیت نظام جمهوری اسلامی متهم می‌کنند، درحالی‌که رئیس سازمان بهزیستی به‌عنوان معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و یکی از مهم‌ترین مدیران مرتبط با معلولان باید پاسخ‌گوی عملکرد خود و سازمان متبوعش باشد.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل سیاسی در سطح

ریل‌گذاری‌های نسل مانا برای سال

پیش رو

امیر سردمی: مدیرمسئول

ماهنامه تخصصی نابینایان ایران، مانا، که پس از اخذ

مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از دی‌ماه سال ۱۴۰۰ با نام «نسل مانا» ادامه حیات داد، حالا وارد چهارمین سال فعالیت خود شده است؛



ماهنامه‌ای که به صاحب امتیازی انجمن نابینایان ایران منتشر شده و در سه قالب صوتی، متنی و بریل به دست علاقه‌مندان خود می‌رسد. در این یادداشت، به بهانه سومین سالروز تأسیس نسل مانا، به سیاست‌های کاری این نشریه، تغییرات سرویس‌ها در یک سال پیش رو، نحوه تعامل سایر سازمان‌ها با نسل مانا و حامیان این مجله نگاهی خواهیم انداخت.

نسل مانا، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی نابینایان

در نخستین شماره مجله مانا، در دی‌ماه سال ۱۳۹۹، اشاره به آغاز یک راه کردیم؛ شروع اقدامی فرهنگی، آن‌هم توسط یکی از باسابقه‌ترین سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران، یعنی انجمن نابینایان ایران که حالا حدود سی سال از تأسیس و فعالیتش در امور مربوط به آسیب‌دیدگان بینایی می‌گذرد. دروغ چرا؟! ابتدای راه باور نداشتیم مسیری که در آن پا گذاشته‌ایم، همراه با استقلال کامل در تولید محتوا، انتخاب همکاران و سرویس‌های ماهنامه باشد، اما گذشت این سه سال به تحریریه نسل مانا اثبات کرد، انجمن نه تنها دست عوامل خود را برای نوشتن مطالب مختلف کاملاً باز گذاشته

نسل‌مانا

با این مؤسسه تخصصی برآمد؛ چراکه مجرب‌ترین متخصصان حوزه چشم‌پزشکی اعضای هیئت‌امنا، هیئت مؤسس و هیئت‌مدیره آن را تشکیل می‌دهند. از اعضای هیئت‌امنا می‌توان به دکتر محمدحسین دهقانی فیروزآبادی، دکتر حمید احمدیه، دکتر حسین ضیایی اردکانی،

دکتر محمدعلی جوادی، دکتر محمدرضا جعفری‌نسب، دکتر علیرضا رضانی و دکتر سپهر فیضی، از استادان چشم‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، نام برد.

نسل مانا در چهارمین سال فعالیت خود همچنان با دفتر فرهنگ معلولین همکاری خود را ادامه خواهد داد، اما همکاری ما با مؤسسه بیماران چشمی آرپی به پایان رسیده است. سرویس‌های مشاغل و زندگی با چشمان بسته تا پایان سال جاری نیز تداوم خواهد داشت، اما در سال آینده با رویکرد متفاوتی دنبال خواهد شد. همچنین امین عرب در ستون گفتاورد به تحلیل آن دسته از مسائل مبتلابه جامعه نابینایان که از دو یا چند زاویه دید قابل بررسی هستند خواهد پرداخت و میرهادی نائینی‌زاده در سال آینده با یک ستون جذاب با نسل مانا همکاری خود را ادامه خواهد داد. سایر نویسندگان کنونی و ستون‌های نسل مانا که با این نشریه همکاری داشته‌اند، در سال پیش رو نیز عضو ثابت تحریریه نسل مانا خواهند بود. همچنین ستون یادداشت مهمان و به قلم شما، پذیرای دل نوشته‌ها، اشعار، گزارش‌ها و یادداشت‌های تحلیلی نابینایان دست به قلم خواهد بود و مخاطبان این نشریه می‌توانند از طریق راه‌های ارتباطی، نوشته‌های خود را به دست عوامل این ماهنامه برسانند تا با نام خودشان در این مجله منتشر شود.

شیوه تعامل سازمان‌ها با نسل مانا

متأسفانه در سال‌های گذشته، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با نابینایان، تعامل خوبی با نسل مانا نداشته و از انجام مصاحبه اختصاصی با این نشریه طفره رفته‌اند؛ نمونه بارز آن علی‌محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی

بین‌الملل گره خورده است و رابطه مستقیمی با آن دارد. مگر می‌توان علل و عوامل بسیاری از مشکلات جاری کشور، تنگناهای اقتصادی، مشکلات تجهیزات توان‌بخشی، عدم تخصیص بودجه به قانون حمایت از حقوق معلولان و سایر گرفتاری‌هایی را که این روزها جامعه معلولان کشور با آن دست به گریبان هستند، در جایی خارج از دنیای سیاست جستجو کرد؟ بنابراین گاهی اوقات پرداختن به مسائل سیاسی امری گریزناپذیر از نوشته‌های برخی از ستون‌های نسل مانا است، اما به‌طور کلی ماهیت این نشریه، مجله‌ای فرهنگی و اجتماعی بوده است و در یک سال پیش رو نیز همین سیاست مدنظر تحریریه نسل مانا خواهد بود.

تغییرات برخی ستون‌ها در یک سال آینده

برخی از سرویس‌های نسل مانا در یک سال آینده دستخوش تغییر خواهند شد، برخی ستون‌ها با همان رویه سابق منتشر می‌شوند و سه سرویس جدید نیز به نسل مانا اضافه خواهد شد. از این ماه نسل مانا با همکاری مؤسسه پیشگیری از نابینایی، مپینا، قصد دارد آخرین اخبار و دستاوردهای حوزه چشم‌پزشکی را منتشر کند. این ستون بسته به شرایط، به‌صورت دوماهانه یا فصل‌نامه منتشر خواهد شد، البته در صورت استقبال مخاطبان از این ستون، امکان انتشار ماهیانه آن نیز دور از ذهن نخواهد بود. مپینا مؤسسه‌ای است که با هدف پیشگیری از کم‌بینایی و نابینایی تشکیل شده و توجه خود را به حوزه پیشگیری، تشخیص و تحقیقات کاربردی در زمینه اختلالات‌های قابل‌کنترلی که منجر به نابینایی می‌شوند، معطوف کرده است. از جمله مأموریت‌های این مؤسسه می‌توان به حمایت از انجام تحقیق‌های علمی در زمینه کشف علل بروز و تشخیص زودرس اختلالات ژنتیک نابیناکننده بر اساس جدیدترین روش‌ها و دستاوردهای علم چشم‌پزشکی و حمایت از بیماران دارای این اختلالات نام برد. چون بررسی آخرین اخبار حوزه چشم‌پزشکی باید توسط متخصصان امر صورت گیرد، نسل مانا درصدد همکاری

نسل‌مانا

نهادهای دولتی مرتبط که هرکدام به‌نوعی سهمی در تداوم ماهیت وجودی نسل مانا ایفا می‌کنند. در سالی که گذشت، بانک مسکن، شرکت پرداخت الکترونیک سداد و شرکت پکتوس از حامیان ثابت و باشگاه تشریفاتی اقدسیه، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران و مجموعه رستوران رُزمیلو به‌صورت موردی، از شرکت‌های خصوصی بودند که با نسل مانا همکاری داشته‌اند، البته به علت تغییرات مدیریتی در شرکت پرداخت الکترونیک سداد، همکاری این شرکت با نسل مانا تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآمده است. در میان سازمان‌های دولتی نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با خرید این نشریه برای بخش نابینایان نهاد، به‌نوعی از تداوم حیات این ماهنامه حمایت می‌کنند. خیران مردمی و پرداخت اشتراک ماهیانه از سوی کاربران نیز یکی دیگر از منابع محدود تأمین هزینه‌های نسل مانا در یک‌سال اخیر بوده است. خوشبختانه با پیگیری‌های فراوان، از مردادماه سال جاری یارانه کاغذ نسل مانا نیز از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تخصیص یافته است که در سطح محدود، می‌تواند بخشی از هزینه‌های کاغذ بریل این نشریه را تأمین کند. نسخه بریل این ماهنامه، علی‌رغم افزایش قیمت ۲۰۰ درصدی کاغذ بریل، در یک سال پیش رو و تا آذرماه سال ۱۴۰۳، تنها با افزایش پانزده‌هزار تومانی، با قیمت پنجاه‌هزار تومان برای هر ماه، به دست علاقه‌مندان خواهد رسید که در سال جاری، اشتراک سه‌ماهه، شش‌ماهه و یک‌ساله آن قابل خریداری خواهد بود.

نسل مانا در یک سال آینده در تلاش است علاوه بر رشد کمی و کیفی مطالب خود، زیرساخت‌های یک چاپخانه بریل مکانیزه را در تحریریه نسل مانا ایجاد کند که در صورت فراهم شدن شرایط فوق، نشریات اقماری نسل مانا به خط بریل و در سطح محدود به‌صورت فصل‌نامه منتشر خواهد شد، البته این موضوع به تأمین منابع مالی جداگانه بستگی دارد که امیدواریم در یک‌سال پیش رو محقق شود.

کشور، است که تاکنون سه مرتبه از دفتر ایشان درخواست مصاحبه اختصاصی شده، حتی دو مرتبه با درخواست مدیران امر، سؤال‌های این مصاحبه، پیش‌تر برای آنها ارسال شده است، اما بازهم تن به مصاحبه حضوری با خبرنگار این ماهنامه نداده‌اند، البته علت این موضوع برای تحریریه نسل مانا کاملاً روشن است؛ چراکه طراحی سؤال‌ها به‌گونه‌ای بود که ایشان باید تصویری شفاف از عملکرد سازمان بهزیستی در حوزه‌های مختلف برای اعضای جامعه هدف این سازمان ترسیم می‌کردند، اما چون کارنامه قابل دفاعی ندارند و عمده اقدام‌های آنها نمایشی است، تاکنون حاضر به مصاحبه اختصاصی با نسل مانا نشده‌اند. معاونت توان‌بخشی سازمان بهزیستی نیز در سال گذشته درخواست مصاحبه حضوری با نسل مانا را رد کرد و به پاسخ مکتوب به پرسش‌های ارسالی این ماهنامه بسنده کرد. همین مشکل در ارتباط با سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور نیز صدق می‌کند.

به اعتقاد نگارنده، یکی از اصلی‌ترین عوامل عدم مصاحبه اختصاصی مسئولین با نسل مانا، نبود آمار شفاف در حوزه‌های مختلف است؛ بنابراین وقتی آمار و ارقام عملکرد مدیران در بخش‌های مختلف شفاف نباشد، آنها به‌اجبار به بازگویی کلیات روی می‌آورند، مانند آنچه این روزها در سایر خبرگزاری‌ها شاهد آن هستیم، اما متأسفانه بخش عمده‌ای از همکاران رسانه‌ای ما یا بنا به اقتضائات شغلی یا جناحی و یا از روی عدم شناخت نسبت به حوزه معلولان، توان به چالش کشیدن مسئولان در حوزه‌های مرتبط را ندارند. آن دسته هم که نگاه حرفه‌ای‌تری نسبت به مسائل دارند و به دل ماجرا می‌زنند یا از سوی سیستم طرد می‌شوند و یا برای آنها به عنوان مختلف پرونده‌سازی می‌شود.

حامیان نسل مانا در سالی که گذشت

ادامه فعالیت تحریریه نسل مانا که در حال حاضر ۲۲ نفر با این نشریه به‌صورت ثابت همکاری می‌کنند میسر نمی‌شود، مگر با حمایت شرکت‌های خصوصی و

جامعه افراد دارای معلولیت است، عنایت بیشتری به این جشنواره ملی می‌داشت و دستکم در سطح معاونت سازمان فرهنگی هنری، در این جشنواره مشارکت می‌کرد. گلایه دیگرم را خطاب به رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی مطرح می‌کنم که علی‌رغم مسؤلیت در زمینه آموزش افراد با نیازهای ویژه، حتی در جلسات شورای سیاست‌گذاری هم نماینده‌ای از این سازمان حضور نداشت. در این جلسات، از طرف وزارت آموزش و پرورش، نماینده‌ای از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان حضور می‌یافت که کم‌کم حضور این نماینده هم کمتر شد و آنطور که باید در برگزاری این جشنواره مشارکتی از مجموعه آموزش و پرورش ندیدیم. معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد هم آنطور که انتظار می‌رفت ظاهر نشد و با وجود همدلی همیشگی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی با انجمن نایبانیان ایران، معاونت فرهنگی خود در نقش همکار برگزاری جشنواره ظاهر نشد و کار را به نهادهای زیرمجموعه واگذار کرد. از مجموعه‌هایی نظیر کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران هم انتظار می‌رفت با توجه به سفارش‌های رهبر انقلاب در خصوص فعالیت‌های فرهنگی، در برگزاری این رویداد مهم ملی در کنار ما باشند. همچنین با وجود میزبانی از رویداد اختتامیه،

در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، انتظار می‌رفت آقای مختاریپور، ریاست مجموعه در رویداد حاضر شوند اما شگفت آنکه این اتفاق نیفتاد. افزون بر همه این گلایه‌ها، گله دیگر من خطاب به سازمان بهزیستی کشور است که از سویی وعده داده بود مبلغ جایزه‌ای را که به افراد غیر معلول تعلق می‌یابد به عهده بگیرد و از سوی دیگر از وزیر محترم تعاون دعوت کند تا در این رویداد حضور داشته باشد که متأسفانه نه تنها هیچ یک از این دو وعده محقق نشد، که حتی علی‌محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی هم در رویداد اختتامیه حضور نیافت.

گزارش عملکرد انجمن نایبانیان ایران (دی ۱۴۰۲)

منصور شادکام: قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران



بعد از چند ماه که گزارش‌های ماهانه انجمن را بدون حضور مهندس منصور شادکام می‌شنیدیم، این ماه خوشبختانه مشکلات برطرف شده و علاقمندان می‌توانند کمافی‌السابق، نسخه صوتی این گزارش را هم با صدای مهندس شادکام، ذیل همین مطلب در وبسایت و صفحات ما در شبکه‌های اجتماعی، بشنوند.

در ابتدا لازم می‌دانم از همه دوستانی که جویای احوال این بنده بودند سپاسگزاری کنم و برای همه دوستان آرزوی سلامتی داشته باشم. بیماری من یک ماه به طول انجامید و در طول این یک ماه، دوستان با تماس‌ها و پیگیری‌ها و دیدارهای گاه‌به‌گاه در بیمارستان، مرا در تحمل دشواری‌های بیماری یاری کردند.

همانطور که در شماره پیشین این گزارش از نظر گذرانید، در روز ۱۴ آذر، انجمن نایبانیان ایران، جشنواره ملی کاما را برگزار کرد. در اینجا لازم است ضمن سپاس از تلاش‌های اعضای کمیته سیاست‌گذاری جشنواره، از نهادهایی گلایه کنم که کلمه فرهنگ را حتی بر سر در و عنوان مجموعه‌شان یدک می‌کشند اما از حضور در این جشنواره سر باز زدند. از آن جمله می‌توانم به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران اشاره کنم. انتظار می‌رفت با توجه به اینکه شهردار فعلی تهران خود از

نسل‌مانا

برگزاری تورهای سیاحتی و زیارتی انجمن هم از جمله فعالیت‌های ادامه‌دار ما بوده است. هشتم دی، جمعی از اعضای انجمن، به مقصد ایستگاه دوم توجال کوهپیمایی کردند. همچنین قرار است در اوایل ماه بهمن، یک سفر با حضور ۵۰ نفر از نابینایان به مقصد کربلای معلی تدارک دیده شود. این سفر، مخصوص نابینایانی است که به اصطلاح کربلا اولی هستند و تا به حال موفق به زیارت عتبات عالیات نشده‌اند.

تمدید تفاهمنامه انجمن نابینایان ایران با آزمایشگاه فروردین، دیگر اتفاقی بود که در طول ماه گذشته رقم خورد. امسال هم مثل سال گذشته، آن دسته از اعضای انجمن که نیازمند انجام امور آزمایشگاهی باشند می‌توانند نسخه پزشک را برای ما ارسال کنند تا ما هماهنگی‌های لازم را انجام دهیم و کارشناسان آزمایشگاه فروردین به منزل افراد مراجعه کنند و آزمایش را انجام دهند و نتیجه را به رایگان برایشان ارسال کنند. این آزمایشگاه متعهد شده در هزینه‌های آزمایش، ۲۰ درصد به اعضای انجمن تخفیف دهد.

انجمن نابینایان ایران طی جلساتی با یکی از مسؤولین کشوری بر نیاز جامعه نابینایان به برجسته‌نگار هوشمند همراه تأکید کرد و در نتیجه یکی از مجموعه‌های اقتصادی بزرگ کشور، در راستای مسؤلیت اجتماعی، تعداد ۱۵ دستگاه برجسته‌نگار هوشمند همراه را خریداری کرد تا بتوانیم در مراکز کتابخانه‌ای در اختیار مراجعه‌کنندگان نابینا و کم‌بینا قرار دهیم. این تعداد قطعاً ناکافی است و ما تلاش می‌کنیم با توجه به قیمت بالای دستگاه و عدم توان اقشار دانشجوی و دانش‌آموز برای خرید دستگاه، تعداد بیشتری را به همین روش خریداری کنیم و در اختیار نمایندگی‌های فعال انجمن در شهرها بگذاریم تا این افراد بتوانند با تربیاتی که اتخاذ می‌شود، از این دستگاه استفاده کنند.

در پایان این گزارش لازم می‌دانم از گردانندگان ماهنامه نسل‌مانا تشکر کنم که همواره مطالب به‌روز و ارزنده را

در برگزاری جشنواره کاما، انجمن از همکاری و شراکت جامعه معلولین ایران به ریاست دکتر کامران آروان هم بهره می‌برد. در این شراکت، مقرر گردیده بود که بخشی از هزینه‌ها را انجمن تأمین کند و بخش دیگر بر عهده جامعه معلولین ایران باشد. از جمله مسؤلیت‌های جامعه معلولین، پرداخت جوایز افراد غیر معلول بود که متأسفانه با وجود جلساتی که با دکتر آروان در این خصوص برگزار و پیگیری‌هایی که انجام شد، جامعه معلولین هنوز تعهد خود را انجام نداده و به همین دلیل است که جوایز نقدی افراد غیر معلول، هنوز پرداخت نشده است. ما پیگیر این موضوع هستیم و از دوستانمان در جامعه معلولین هم می‌خواهیم بیش از این در انجام تعهداتشان کوتاهی نکنند.



از دیگر رویدادهایی که قرار بود در آیین اختتامیه برگزار شود، رونمایی از دایره‌المعارف نابینایی و کم‌بینایی بود. با توجه به غیبت بنده و برخی مشکلات دیگر بنا شد این رونمایی به تاریخ دیگری موکول شود. طی گفتگوهایی که با محمد نوری، رئیس دفتر فرهنگ معلولین و از مؤلفان این اثر داشتیم، قرار شد جلساتی را هم با دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشیم تا نسخه‌هایی از این کتاب سه جلدی که در ۲۱۰۰ صفحه تدوین شده خریداری و در مراکز کتابخانه‌ای و پژوهشی توزیع شود. در اولین مناسبت ممکن، رونمایی از این مجموعه ارزشمند برگزار خواهد شد.

پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریه‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

نخستین شماره پیشخوان در سال سوم نسل مانا را با بریل آغاز خواهیم کرد؛ و چه شروعی مناسب‌تر از این مخلوق دوست‌داشتنی بشر! روز جهانی بریل را به‌تازگی پشت سر گذاشته‌ایم. به همین بهانه، در دنیا گشتی خواهیم زد و از ویژه‌برنامه‌ها و رویدادهایی که به مناسبت بریل برگزار شده است، گزارشی خواهیم داد. در ادامه، به سراغ دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری مناسب برای استفاده نابینایان خواهیم رفت و یک رویداد موسیقایی ویژه نابینایان را بررسی خواهیم کرد و به این بهانه، مروری خواهیم داشت به فعالیت‌های برخی مراکز تخصصی آموزش موسیقی به نابینایان در کشور ایالات متحده آمریکا.

یک جهان آگاهی زیر انگستان نابینایان

از سالروز تولد لویی بریل عزیز ما، تنها کمی بیش از دو هفته گذشته است؛ مردی که ۲۱۵ سال پیش در فرانسه به دنیا آمد و گرچه کوتاه زیست، اما در همان حیات کوتاه، یادگاری چنان گران‌سنگ از خود به‌جای گذاشت که هنوز هم با گذشت دو قرن، کاخ بلندی که بنا نهاد، بی‌گزند باد و باران، برجا ایستاده و مأمّن نابینایانی است که قدم در جاده علم‌آموزی می‌گذارند. چهارم و ششم ژانویه، برای نابینایان دنیا روزهایی بااهمیت هستند؛ اولی روز تولد لویی بریل است و دیگری روز مرگ او. پنج‌سالگی می‌شود که سازمان ملل، روز تولدش را به‌عنوان «روز جهانی آگاهی‌بخشی در خصوص بریل» به تقویم دنیا اضافه کرده است و هر ساله رویدادهای مرتبط با دسترسی نابینایان به بریل به همین مناسبت در کشورهای مختلف برگزار می‌شود.

تولید می‌کنند و در اختیار علاقمندان قرار می‌دهند. این ماه این نشریه چهارمین سال فعالیتش را آغاز کرده و خوشبختانه توانسته جایگاه مناسبی را در میان علاقمندانش به دست آورد. حال که این ماهنامه تثبیت شده، ما به دنبال رفع نیاز مطالعاتی کودکان و نوجوانان نابینا هستیم. این گروه، در مقایسه با هموعان بینایشان از کمترین امکانات برخوردارند و تبعیض ناروایی در حقشان شکل گرفته است. امیدواریم بتوانیم با تأمین منابع مالی مورد نیاز، محتوای درخوری را هم برای این عزیزان تولید کنیم. برنامه رادیویی شش نقطه هم دیگر محصول فرهنگی انجمن است که در اینجا لازم می‌دانم از تولید کنندگانش تشکر کنم و ابراز امیدواری کنم بتوانیم با فراهم کردن امکان حمایت بیشتر از این برنامه، به ارتقا کمی و کیفی این برنامه هم کمک کنیم. مسائل و موضوعات فرهنگی جزو دغدغه‌های همیشگی انجمن نابینایان بوده و است و امیدواریم از این پس هم حضور کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه در کنار ما تداوم داشته باشد تا بتوانیم نیاز فرهنگی جامعه افراد با آسیب بینایی را به خوبی مرتفع کنیم. از همه حامیان به‌ویژه شرکت پکتوس و بانک مسکن تشکر می‌کنم که همواره در انجام امور فرهنگی در کنار ما بوده‌اند و امیدوارم سایر مجموعه‌های اقتصادی هم در راستای ایفای نقش مسؤلیت اجتماعی‌شان، در انجام اموری از این دست، در کنار انجمن نابینایان ایران باشند.



بانک مسکن



برجسته نگاروشمند همراه، تولید شرکت پکتوس

طنزی که دارد، حتی صحنهٔ جایزهٔ گرمی را هم به مکانی برای تبلیغ بریل تبدیل کرده است.

جایزهٔ گرمی معادل اسکار در موسیقی است و بزرگ‌ترین صحنهٔ موسیقایی دنیا محسوب می‌شود. واندر از این صحنه برای جلب توجه میلیون‌ها تماشاچی این رویداد نسبت به اهمیت خط بریل برای نابینایان استفاده کرده است. اگر شنوندهٔ نسخهٔ صوتی پیشخوان باشید، می‌توانید شرح ماجرا و اسناد صوتی مربوط به این اتفاق را بشنوید؛ افزون بر این از یک وکیل نابینا خواسته‌ایم راجع به معاهدهٔ مراکش و الزاماتش برایمان توضیح دهد و برایمان بگوید که ما را چه می‌شود که علی‌رغم اینکه جمهوری اسلامی یکی از امضاکنندگان این معاهده است، مفادش در ایران اجرا نمی‌شود؟! به این بهانه، یکی از ترانه‌های محبوب استیوی واندر را هم خواهیم شنید.

شاید بد نباشد سری هم به مقصد این روزهای بسیاری از ایرانیان، یعنی کشور کانادا بزنیم و از حال و هوای روز جهانی بریل در این کشور بیشتر بدانیم. «مؤسسه ملی نابینایان کانادا»^۲ در زمینهٔ فعالیت‌های رسانه‌ای عملکردی کاملاً حرفه‌ای دارد؛ تا جایی که یک شبکهٔ رادیویی، تلویزیونی و اینترنتی با عنوان «ای ام آی»^۳ را راه‌اندازی کرده است تا انواع برنامه‌های مورد نیاز نابینایان را تولید کند. دو نفر از برنامه‌سازهای کارکشتهٔ این شبکه به مناسبت روز بریل، برنامهٔ زندهٔ دو ساعته‌ای را روی آنتن بردند و در طول برنامه با چندین نابینا از کشورهای انگلیسی‌زبان، صحبت و زوایای مختلف دسترسی نابینایان به بریل را بررسی کردند. موضوع‌هایی چون چگونگی آموزش بریل، نقش فناوری‌ها در دسترسی به محتوای بریل و منابع اینترنتی آموزش بریل، از جمله بخش‌های این برنامهٔ مفصل بود. معرفی یک صفحه‌کلید با قابلیت تایپ بریل هم از دیگر بخش‌های برنامه بود؛ صفحه‌کلیدی که به گوشی اندروید یا آیفون متصل می‌شود و کار با گوشی را برای

امسال در کشور ما خبری از این قبیل رویدادها نبود و به‌جز یکی‌دو خبرگزاری، جایی نامی از لویی عزیز ما برده نشد. در نبود رویدادهای داخلی، شاید بد نباشد سری به آن سوی مرز بزنیم و ببینیم چشم‌رنگی‌های هم‌نژاد لویی تولدش را چگونه گرامی داشته‌اند.



استیوی واندر^۱ خواننده و آهنگساز نابغهٔ آمریکایی، یکی از کسانی است که از دل و جان برای ترویج بریل و هر آنچه به تسهیل زندگی نابینایان کمک می‌کند مایه می‌گذارد. وبگاه سازمان ملل به مناسبت روز جهانی بریل، سری به بایگانی خود زده و تکه‌ای از سخنرانی استیوی واندر را که در سال ۲۰۱۶ به مناسبت دهمین سال تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در محل این سازمان ایراد کرده، بازنشر کرده است. او که در سال ۲۰۰۹ به‌عنوان «سفیر صلح سازمان ملل» با تمرکز بر امور معلولین انتخاب شده، در این سخنرانی، بر حق دسترسی برابر نابینایان به منابع مطالعاتی تأکید و به این نکته اشاره می‌کند که در حال حاضر نابینایان در کشورهای پیشرفته فقط به ۵ درصد از منابع مطالعاتی عمومی دسترسی دارند و این عدد در کشورهای درحال توسعه، حتی از این هم کمتر است. او اجرای معاهدهٔ مراکش را راه‌حل مناسبی برای رفع این فقر و فاقه می‌داند و می‌گوید تا اجرای تمام و کمال این معاهده از پا نخواهد نشست. استیوی واندر از جمله نابینایانی است که هیچ فرصتی را برای آشنا کردن جهانیان با نیازهای نابینایان از دست نمی‌دهد. او با طبع

^۳ Accessible Media Inc

^۱ Stevie Wonder

^۲ Canadian National Institute for the Blind (CNIB)

نسل‌مانا

تعبیر تنظیمات صفحه‌خوان نظیر میزان سرعت یا پرگویی را در اختیار دارند. همچنین صفحه‌خوان حالا می‌تواند بیشتر فهرست امکانات و تنظیمات دوربین را بخواند؛ افزون بر این گزینه‌های موجود در صفحه‌نرم‌افزار پخش‌کننده دوربین مثل پخش، مکث، حرکت به جلو و عقب هم حالا به‌وسیله صفحه‌خوان خوانده می‌شوند؛ به‌علاوه کاربران نابینا حالا به اطلاعات و آمارهای دقیقی در خصوص لنز دوربین دسترسی دارند که می‌توانند بر مبنای آن تا حدودی ویژگی‌های تصویری را که می‌خواهند ثبت کنند، شخصی‌سازی کنند. در کل هنوز صفحه‌خوان در برخی بخش‌های دوربین ساکت است، اما با تغییراتی که در امکانات آن به وجود آمده است، به‌خصوص کاربران کم‌بینا با سهولت بیشتری قادر خواهند بود از امکانات دوربین‌های سری آلفا استفاده کنند. با من در نسخه پیشخوان همراه شوید تا نمونه صدای صفحه‌خوان دوربین‌های دیجیتال سونی را بشنوید.

جشنواره جهانی نوازندگی برای نابینایان



بنیاد غیر انتفاعی موسیقی بلّا برای نابینایان^۱، در نیوجرسی آمریکا، از سال ۲۰۱۹ به نابینایان فعال در زمینه موسیقی خدمات‌رسانی می‌کند. برگزاری رویداد سالانه مسابقه نوازندگی، یکی از فعالیت‌های این بنیاد است. این مسابقه در ژانر موسیقی کلاسیک و در سه گروه سنی ۱۰ تا ۱۹، ۲۰ تا ۳۰ و بالای ۳۱ سال برگزار می‌شود و روال کار به این ترتیب است که ابتدا نوازندگان

نابینایان تسهیل می‌کند. یکی دیگر از بخش‌های جذاب برنامه، ترانه‌ای بود که جمعی از نابینایان آن را به‌صورت مجازی و در بستر نرم‌افزار زوم اجرا و ضبط کرده بودند. شما می‌توانید این ترانه فرح‌انگیز را که با مضمون اثرات بریل در زندگی نابینایان تولید شده است، در نسخه صوتی پیشخوان بشنوید.



دنیای بی‌مرز صفحه‌خوان‌ها: این بار دوربین

دیجیتال

دامنه پشتیبانی صفحه‌خوان‌ها حالا دیگر از گوشی و رایانه فراتر رفته است و سایر ابزارهای رایج را هم در بر می‌گیرد. سونی یکی از شرکت‌هایی است که تلاش می‌کند در بیشتر محصولات دیجیتالی‌اش امکان استفاده از صفحه‌خوان‌ها را در اختیار کاربران نابینا قرار دهد. بعد از تلویزیون‌های هوشمند سونی، این بار نوبت به دوربین‌های دیجیتال این شرکت رسیده است که با افزودن یک صفحه‌خوان، قفل ورود نابینایان به دنیای عکاسی و فیلم‌برداری هم شکسته شود.

درباره دوربین‌های سری آلفای شرکت سونی، قبلاً هم در همین سلسله‌نوشته‌ها چیزی نوشته بودیم. این بار هم مثل دفعه قبل، سم سیوی، یوتیوبر نابینا، به سراغ نسل تازه این دوربین‌ها رفته تا عملکرد صفحه‌خوان را در آنها بررسی کند. به گفته سم، نسخه جدید صفحه‌خوان که حالا روی دوربین‌های سری آلفا نصب شده است، در مقایسه با صفحه‌خوان قبلی، به‌مراتب پشتیبانی بهتری را ارائه می‌کند. حالا کاربران امکان

^۱ Bella Music Foundation for the blind

آنجا که رنگ و نور و تماشا بریل شد؛
نگاهی به جایگاه بریل در دنیای امروز و
مقایسه آن با ایران
زهره همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و
پرورش استثنایی شهر تهران

لویی ستاره بود، سراپا بریل شد
برجسته شد، به‌خاطر ماها بریل شد
شش نقطه شد، شبیه خودش رو به پنجره
شش نقطه شد، شبیه خودش تا بریل شد
لویی هزار نقطه روشن درست کرد
لویی هزار مرتبه تنها بریل شد
با نقطه‌نقطه‌های جهان آشنا شدیم
آنجا که رنگ و نور و تماشا بریل شد
انگشت‌های خسته ما را قطار کرد
وقتی که ریل، روی مقوا بریل شد
در کوپه از ندیدنمان حرف می‌زدیم
لویی رسید و پنجره حتی بریل شد
با ما هلن کلر به تماشا رسیده بود
در واگنی که فلسفه ما بریل شد
در ایستگاه مصر، پر از رودکی شدیم
آن روزها که دفتر طاها بریل شد
حالا قطار، حامل لویی بریل‌هاست
حالا که خط روشن دنیا بریل شد^۱

نابینا فیلمی از نوازندگی خود را به‌عنوان قطعه ورودی برای این بنیاد ارسال می‌کنند و در ادامه داوران آثار را بررسی و برندگان را اعلام می‌کنند. برندگان این مسابقه، از این شانس برخوردار می‌شوند که ضمن دریافت جایزه نقدی و یک بسته کامل نرم‌افزار نت‌نویسی دَنسینگ داتس، سفری هم به نیوجرسی داشته باشند و به‌عنوان سولیست ارکستر، در کنار ارکستر سمفونیک بنیاد نوازندگی کنند؛ فرصتی که کمتر ممکن است برای یک نوازنده نابینا فراهم باشد. امسال قرار است برندگان این مسابقه، در روز ۲۸ آوریل ۲۰۲۴ برای دریافت جایزه و اجرا در سالن معتبری که به همین منظور در نیوجرسی در نظر گرفته شده است، گرد هم آیند.

حمایت‌های این بنیاد غیر انتفاعی از موسیقی‌دانان نابینا به این رویداد سالانه خلاصه نمی‌شود. این بنیاد بارها در طول این چهارسال فعالیتش، امکان برگزاری کنسرت را برای نوازندگان نابینا از سراسر دنیا فراهم کرده است. گردآوری اطلاعات در خصوص منابع و مراکز آموزش موسیقی به نابینایان نیز از دیگر فعالیت‌های بنیاد بلا است. در نسخه صوتی پیشخوان، با سایر فعالیت‌های بلا بیشتر آشنا خواهیم شد. از مرکز دیگری هم سراغ خواهیم گرفت که با حمایت مالی «جاش گروبان»، یکی از نامدارترین خوانندگان حال حاضر آمریکایی برای نابینایان علاقه‌مند به موسیقی خدمات‌رسانی می‌کند. «آکادمی موسیقی برای نابینایان» بیش از بیست سال است که در شهر لس‌آنجلس به جوانان و نوجوانان نابینا خدمات آموزشی ارائه می‌کند. این مرکز اخیراً امکان ارائه آموزش‌های برخط را هم برای نابینایان آمریکایی در سراسر دنیا فراهم کرده است. درباره جزئیات آموزش‌های برخط این آکادمی بیشتر خواهیم شنید.

شما می‌توانید نسخه صوتی پیشخوان را ذیل همین نوشته در وبگاه نسل‌مانا یا از طریق کانال‌ها و صفحات ما در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی دریافت کنید.

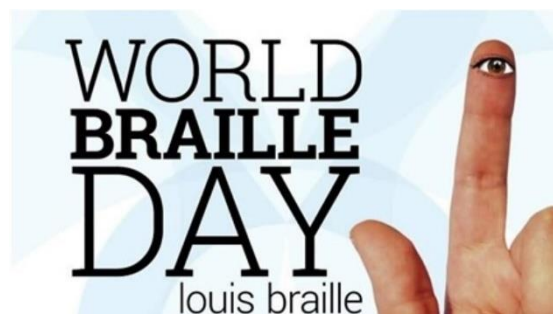
شاعر: موسی عصمتی^۱

نسل‌مانا

به‌زیبایی اشاره می‌کند؛ پنجره‌های روشنایی و دانایی را به روی افراد با آسیب بینایی گشوده است.

صد افسوس که اقبال از خط بریل در میان خود افراد با آسیب بینایی نیز هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند از کتاب‌های صوتی استفاده کنند و برای نوشتن هم از امکان تبدیل گفتار به نوشتار استفاده کنند. متأسفانه گاه در بین افراد با آسیب بینایی با کسانی مواجه هستیم که ضرورتی برای آموزش بریل به افراد با آسیب بینایی قائل نیستند! مانند این است که بگوییم نیاز نیست کودکان خواندن و نوشتن بیاموزند. پرواضح است که چنین نظریه‌ای با هیچ دلیل و منطقی قابل توجیه نیست.

«توانمندسازی از طریق فراگیری و تنوع» به‌عنوان شعار روز جهانی بریل سال ۲۰۲۴ انتخاب شده است. این شعار بر تعهد به ایجاد جهانی تأکید می‌کند که در آن حضور افراد دارای آسیب بینایی به‌طور کامل در تمامی عرصه‌های اجتماع در نظر گرفته می‌شود. هدف نهایی از یادگیری، به‌کارگیری در زندگی واقعی است و افراد باید بتوانند آنچه را آموزش دیده‌اند، در محیط زندگی واقعی و اجتماعی به کار بگیرند و اگر چنین نباشد و کاربرد خواندن و نوشتن به خط بریل به محیط مدرسه محدود شود؛ یادگیری آن برای دانش‌آموزان، نه‌تنها جذابیت، بلکه فایدهٔ چندانی هم نخواهد داشت؛ علاوه بر این استفاده از خط بریل می‌تواند زمینهٔ حضور مؤثر افراد با آسیب بینایی را در تمامی عرصه‌های زندگی فراهم کند یا دست‌کم زندگی روزمرهٔ این قشر را تسهیل کند؛ برای مثال اگر برچسب بریل برای محصولات گوناگون در نظر گرفته شود می‌تواند بسیار مفید باشد، ولی متأسفانه به‌ویژه در کشور ما اثر چندانی از خط بریل در جامعه دیده نمی‌شود و به‌جز در موارد معدودی مانند عددهای بریل برخی آسانسورها رد پای چندانی از حضور خط بریل مشهود نیست.



چهارم ژانویه، روز جهانی بریل بود و در مسیر جمع‌آوری اطلاعات این یادداشت، در فضای مجازی جستجو می‌کردم و می‌خواستم بدانم که آیا اصلاً کسی از متولیان آموزش افراد با آسیب بینایی این روز را به یاد دارد؟ آیا مراسمی، همایشی، رویدادی یا دست‌کم پیام تبریکی برای این روز در نظر گرفته شده است؟ با نهایت تأسف اما خالی از تعجب، دیدم که انگار اصلاً چنین روزی در تقویم مسئولان ما وجود ندارد. برخی خبرگزاری‌ها مطالبی در ارتباط با روز جهانی بریل با هدف معرفی این نظام خواندن و نوشتن به جامعه منتشر کردند، درحالی‌که انتظار می‌رفت سازمان آموزش و پرورش استثنایی که عنوان متولی اصلی آموزش افراد با آسیب بینایی را یدک می‌کشد یا سازمان فحیمهٔ بهزیستی، حتی در حد طراحی یک پوستر ناقابل، وجود خطی به نام «بریل» را به شهروندان یادآوری کنند و بر ضرورت یادگیری این خط برای نابینایان و کاربرد آن در زندگی فرد نابینا تأکید کنند، اما افسوس که هیچ خبری نبود و ظاهراً کسی باید پیدا شود و خط بریل را به دست‌اندرکاران این نهادهای گران‌مایه معرفی کند و بگوید که خط بریل یک نظام نوشتاری ویژهٔ افراد با آسیب بینایی است که توسط لویی بریل فرانسوی اختراع شد و سال‌هاست که نابینایان سراسر دنیا برای خواندن و نوشتن از این خط استفاده می‌کنند و همان‌گونه که موسی عصمتی، شاعر نابینای مشهوری، در سروده‌ای که در ابتدای مطلب آورده شد،

موضوع نشده است. امروزه ابزارهای بسیار ساده‌ای مانند پاپیت سیلیکونی برای آموزش نشانه‌های بریل و چینه‌های رنگی پلاستیکی نشانه‌ها برای کلمه‌سازی کودکان با آسیب بینایی بسیار مرسوم شده است و این کودکان می‌توانند مانند همسالان فاقد آسیب بینایی‌شان، به راحتی با بازی کردن، خواندن و نوشتن را بیاموزند، اما متأسفانه ما در آموزش خط بریل به دانش‌آموزان با آسیب بینایی به کتاب‌های بریل بزرگی چسبیده‌ایم که کودک شش یا هفت‌ساله حتی نمی‌تواند آن را در دست بگیرد و از آن استفاده کند.

یکی دیگر از مسائلی که بسیار حائز اهمیت است، ولی متولیان آموزش، کوچک‌ترین توجهی به آن ندارند؛ آموزش بریل به والدین کودک با آسیب بینایی است. واضح است والدینی که کوچک‌ترین دانشی از خط بریل نداشته باشند، نمی‌توانند نظارتی بر یادگیری فرزندشان داشته باشند، اما این بار برای مسئولان بی‌مسئولیت خوش‌خبریم و خبر خوش این است که با طراحی یک ابزار و اپلیکیشن نه‌چندان پیچیده، آموزش خواندن و نوشتن بریل برای کودکان به شکل بازی طراحی شده است که والدین نیز می‌توانند با نصب اپلیکیشن روی تلفن همراه خود، بدون اینکه بریل بدانند بر یادگیری فرزند نظارت کنند و حتی آزمون بگیرند. مسئولان عزیز! آرام بخوابید که دیگران بیدارند!

در ضرورت خط بریل برای افراد با آسیب بینایی هرچه بگوییم کافی نیست. از لذت خواندن کتاب و شعر گرفته تا نوشتن و خواندن نت‌های موسیقی، اما همه اینها برای تحقق هدف مشارکت حداکثری در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی کافی نیست و همان‌گونه که افراد فاقد آسیب بینایی می‌توانند آنچه را در مدرسه آموخته‌اند، در زندگی روزمره به کار گیرند؛ تسهیل زندگی افراد با آسیب بینایی با پررنگ‌تر کردن نقش خط بریل در موقعیت‌های گوناگون، حق طبیعی این افراد است و بر مسئولان خواب‌آلوده واجب است که در رفع این تبعیض آشکار اجتماعی قدمی بردارند.

این سطور، دانش‌آموز کلاس اولی را به خاطر آورد که پس از یادگیری عدد دو به کلاس آمد و با خوشحالی وصف‌ناپذیری گفت که توانسته است عدد دو را روی کلیدهای آسانسور آپارتمان پیدا کند و بزند. او گفت که حالا احساس می‌کند باسواد شده است. خودش نمی‌دانست و احتمالاً هنوز هم نمی‌داند که در عین سادگی، چه تعریف زیبایی از باسواد شدن ارائه کرده است. او توانسته بود فایده آنچه را که آموخته بود در زندگی واقعی‌اش ببیند و پس از آن روز، انگیزه یادگیری او بسیار بالا رفته بود و مشتاقانه در همه‌جا به دنبال خط بریل می‌گشت، اما افسوس که هرچه بیشتر جستجو می‌کرد کمتر می‌یافت.

نیک می‌دانیم که بهترین زمان برای آموزش خواندن و نوشتن، حدود شش‌سالگی و شروع آموزش رسمی و عمومی است و بهتر می‌دانیم که بهترین راه علاقه‌مند کردن کودکان به یادگیری خواندن و نوشتن، جذاب‌سازی آموزش به کمک بازی و استفاده از ابزارهای متنوع و جالب‌توجه کودکان است. هم‌اکنون در بیشتر نقاط دنیا، از ابزارهای متنوعی برای آموزش خط بریل به کودکان استفاده می‌شود و به نظر می‌رسد وقت آن رسیده که ما هم در آموزش بریل به کودکان، تغییراتی ایجاد کنیم. سال‌های بسیاری است که برای آموزش اولیه بریل به کودکان، از لوحه‌های چوبی و پیچ و میخ‌های همراه آن یا شش‌نقطه فومی استفاده می‌شود و پس از آن کودکان با لوح و قلم شروع به نوشتن می‌کنند، اما همان‌گونه که برای آموزش نوشتن با مداد، از روش‌های جالبی مانند آموزش نشانه‌ها با نقاشی و استفاده از ابزارهای آموزشی رنگارنگ و خلاقانه و بازی‌ها و اپلیکیشن‌های آموزشی استفاده می‌شود؛ حق کودکان با آسیب بینایی است که روش آموزش خواندن و نوشتن برای ایشان نیز به‌روز شود تا آموزش از جذابیت لازم برخوردار شود. با کمی مطالعه تجربیات مردمان سایر کشورها درمی‌یابیم که چنین اقدامی به‌سادگی قابل انجام است، اما متأسفانه در کشور ما توجه کافی به این

نسل‌مانا

پیچ و خم‌های تعامل والدین نابینا و

فرزندانشان

فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان
آموزش و پرورش استثنایی گیلان

والدینی که در مصاحبه‌های مربوط به فرزندپروری شرکت داشتند، در آغوش گرفتن، لمس کردن، خوب گوش دادن و صحبت کردن با کودک را عناصر مهمی در برقراری ارتباط میان خود و فرزندشان برشمردند.

بعضی از آنها مانند بسیاری از مادران جوان برای حمام بردن نوزادشان از کسی کمک می‌گیرند و بعضی هم خودشان با تکیه بر تجربه‌های پیشین، فرزندشان را با احتیاط و دقت کافی در زمانی کمی طولانی‌تر از دیگران به حمام می‌برند. آنها با مهربانی‌های مادرانه فضای حمام را برای فرزندشان دلپذیر می‌کنند.

یکی از مادرها می‌گوید: «والدین جوان نابینا هم یاد می‌گیرند، آنها باید سؤال کنند تا یاد بگیرند».

بعضی‌ها هنگام خوراندن غذا و دارو از قطره‌چکان استفاده می‌کنند و بعضی دیگر از لیوان یا قاشقی که کمی گود است؛ بستگی دارد به اینکه فرد نابینا و فرزندش با کدام روش ارتباط بیشتری برقرار کند.

با پدری مصاحبه کردم که پایه‌پای همسرش کارهای مربوط به کودک را انجام می‌دهد؛ برای فرزندش شیر را گرم می‌کند، به او غذای نرم می‌خورد و کمی که بزرگ‌تر می‌شود، در قالب بازی میوه به دهان یکدیگر می‌گذارند.

پدری دیگر از نوعی بازی با دخترش یاد می‌کند که نامش را «غول‌بازی» گذاشته‌اند. پدر روی مبل می‌نشیند و دختر از زوایای مختلف با ایجاد صدا به او ضربه می‌زند. صداها کمک می‌کند پدر بتواند از خود دفاع کند یا آمادگی پذیرش ضربه را داشته باشد.

در همین فرایندها است که میان کودک و والدینش ارتباط عمیق‌تری برقرار می‌شود. دوستی می‌گوید: «وقتی کسی برای کمک می‌آید، ترجیح می‌دهم او کارهای خانه را انجام دهد تا من وقت بیشتری را با فرزندم بگذرانم».



همراهان عزیز! بنا داریم در چندین شماره به چگونگی تعامل میان افراد نابینا و سایر گروه‌های جامعه بپردازیم و با نظر افراد مختلف در موقعیت‌های گوناگون آشنا شویم تا در شرایط مشابه از آنها استفاده کنیم.

در این شماره با نگاهی مختصر به ماهنامه «مانا» که یک‌سال پیش از «نسل‌مانا» منتشر می‌شد، تعامل با فرزندان را در سه مرحله مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دوران کودکی

کودکان در این دوره بیش از هر زمان دیگری به والدین خود وابستگی دارند؛ برای شیر خوردن، خوردن غذا و دارو، رفتن به دست‌شویی و حمام، بازی کردن، برقراری ارتباط با سایرین و شناخت محیط پیرامون.

کودکان، خواه بینا و خواه نابینا، به این موارد نیاز دارند و والدین نابینا می‌بایست با آموختن روش‌های صحیح از طریق مطالعه و پرسش از دیگران، سطح آگاهی و توانایی خود را در برآورده کردن نیاز فرزندشان بالا ببرند.

در اینجا توجه شما والدین نابینا را به چند نکتهٔ مربوط با مدرسه جلب می‌کنم:

۱. خوب است فرزندان نسبت به شرایط شما آگاهی کامل داشته باشد؛ به همین منظور می‌توانید از مشاوران آگاه کمک بگیرید.

۲. بهتر است ثبت‌نام فرزندان را به‌موقع انجام دهید تا بتوانید در فضایی صمیمی مدیر مدرسه را نسبت به شرایط دانش‌آموز در خانه آگاه کنید.

۳. یکی دو روز پیش از نخستین روز مدرسه، از مدیر بخواهید تا معلم کلاس را نسبت به شرایط شما، به‌عنوان والدین یکی از دانش‌آموزان کلاس آگاه کند.

۴. از ناظم مدرسه بخواهید ترتیبی اتخاذ کند تا در روز جهانی عصای سفید زمان کوتاهی را به شما اختصاص دهند تا ضمن بیان صحبت‌هایی در خصوص توانایی‌های افراد نابینا، بتوانید با سایر دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنید.

۵. چنانچه از نظر تحصیلی یا اجتماعی از موقعیت مناسبی برخوردار هستید، عضو انجمن اولیا و مربیان باشید.

۶. برای تهیهٔ کتاب بریل، قبل از شروع سال تحصیلی، در اردیبهشت‌ماه، با نزدیک‌ترین مدرسهٔ استثنایی شهر خود تماس بگیرید و درخواستتان را مطرح کنید.

۷. برای انجام برخی امور که نیاز به دیدن دارند، می‌توانید از داوطلبان برنامهٔ بی‌مای آیز کمک بگیرید.

دوران نوجوانی

دوران حساس نوجوانی با تحولاتی بسیار همراه است. به‌گفتهٔ یکی از والدین نابینا اگر افراد نابینا از همان ابتدا ضمن پذیرش مسائل مربوط به نابینایی خود، تلاش کنند با فرزندان‌شان رفتاری عادی و منطقی داشته باشند، فرزندان در دورهٔ نوجوانی به‌عنوان پدر یا مادر روی آنها

والدینی تعریف می‌کنند که از طریق تماشای مستندهایی که کلام دارند، همراه با فرزندشان او را با طبیعت آشنا می‌کنند. کلام مستند کمک می‌کند که فرد نابینا بتواند به پرسش‌های کودک با تسلط بیشتری پاسخ دهد.

در جایی دیگر والدین نابینایی که فرزندشان هم نابیناست، از زمانی می‌گویند که وقتی روش مهدکودکی را مناسب نمی‌بینند، مهد را عوض می‌کنند تا فرزندشان در شرایط مناسب‌تری در کنار سایرین آموزش ببیند.

اینها همه حمایت‌هایی است که در درازمدت از نگاه عمیق کودکان پنهان نمی‌ماند.

دوران مدرسه

در مصاحبه با والدین نابینا دریافتیم که بیشتر آنها ترجیح می‌دهند خود با معلم، ناظم و مدیر مدرسه در ارتباط باشند. همچنین افرادی که در انجمن اولیا و مربیان حضوری فعال دارند. با دوستانی صحبت کردیم که گفتند هرگز از مدرسه انتظار نداشتند به فرزندشان ارفاق کنند. آنها گفتند: «به معلم‌ها می‌گفتیم انجام آزمایش و یا ساخت کاردستی در خانه را کمی زودتر اعلام کنند تا ما فرصت کافی برای تهیهٔ مواد مورد نیاز داشته باشیم».

برخی از والدین هر سال کتاب بریل را از نزدیک‌ترین مدرسهٔ استثنایی تهیه می‌کنند تا در درس‌ها به فرزندشان کمک کنند، مانند بسیاری از والدین دیگر.

یکی از مادرها تعریف می‌کند که همیشه فرزندانش را با لباس‌های تمیز و اتوشده و با تغذیهٔ سالم و خانگی به مدرسه فرستاده است.

پدري می‌گوید که همیشه نگران بوده است چطور مسئلهٔ نابینایی‌اش را با فرزندش در میان بگذارد. او ضمن انجام وظایف پدرانه، صبر کرده است تا کودک، خود، از او سؤال کند؛ تا اینکه از طرف مدرسه برای سخنرانی در روز «عصای سفید» دعوت می‌شود. جالب اینجاست که فرزندش این پیشنهاد را به مدیر مدرسه داده بود.

چگونه هوش مصنوعی می‌تواند در مسیریابی به نابینایان و کم‌بینایان کمک کند

گردآوری و ترجمه: میثم امینی

نابینایان و کم‌بینایان برای یافتن مسیر، به‌خصوص در محیط‌های ناآشنا نیاز مبرمی به ابزارهای کمکی دیجیتال بهتری دارند. اکنون محققان به نام «باینیت کوریاکوس» راه‌حلی عملی و مقرون‌به‌صرفه را پیدا کرده است که از هوش مصنوعی و حسگرهای تلفن هوشمند استفاده می‌کند.

کوریاکوس ابتدا به سامانه‌های راهنمای مسیریابی که قبلاً برای نابینایان و کم‌بینایان توسعه یافته است، نگاهی دقیق‌تر انداخت. او دریافت این سامانه‌ها اغلب کارآمد نیستند. بسیاری از این سامانه‌های راهنمای مسیریابی به بردهای سخت‌افزاری مثل رایانه کوچک به اندازه یک کارت بانکی به نام «رزبری پای» متکی‌اند. بعضی دیگر هم به اتصال به لپ‌تاپ نیاز دارند که هر دوی این ملزومات باعث داشتن سامانه‌ای پردردسر می‌شود. همچنین این سامانه‌ها اغلب مستلزم دوره‌های آموزشی طولانی‌اند و قابلیت حملی را که برای استفاده از آنها در بیرون لازم است ندارند.

علی‌رغم وفور راه‌حل‌های مبتنی بر تلفن هوشمند، این راه‌حل‌ها اغلب به اتصال اینترنت احتیاج دارند که آنها را در مکان‌های دارای محدودیت در اتصال اینترنت، مثل گاراژ و زیرزمین غیر قابل‌استفاده می‌کند. بیشتر سامانه‌های راهنمای مسیریابی مدرن همچنین به منابع ابری متکی‌اند که باعث ایجاد تأخیر در پردازش و مانع مسیریابی بی‌درنگ می‌شود؛ چیزی که وقتی هر ثانیه اهمیت دارد ضروری است. برای بسیاری از این سامانه‌ها فناوری نسبت به چالش‌های واقعی که کاربران در هنگام مسیریابی با آنها روبه‌رو می‌شوند، اولویت دارد.

حساب می‌کنند، نه به‌عنوان یک فرد نابینا که به دلیل نابینایی‌اش به کمک‌های فراوان نیاز دارد. او می‌گوید: «ما از طریق کمک کردن به دیگران و کمک گرفتن از دیگران به فرزندانمان آموختیم که همه انسان‌ها به کمک یکدیگر نیاز دارند، البته در بسیاری موارد هم سعی می‌کردیم به‌جای بچه‌ها از سایر اطرافیان کمک بگیریم؛ با این هدف که آنها خود را مسئول ما ندانند. هرچه باشد ما والدین آنها هستیم و نسبت به آنها مسئولیت داریم».

پدری می‌گوید: «فرزندم به رانندگی بسیار علاقه داشت. رانندگی را از عمویش یاد گرفت. تصمیم گرفتم موقع رانندگی، با آرامش در کنارش بنشینم تا او ضمن مسئولیت‌پذیری، همواره حمایت و همراهی مرا نسبت به خود احساس کند».

خوب است والدین ارتباط دوستانه‌ای با فرزندشان داشته باشند تا فرزند در دوران نوجوانی ناشناخته‌هایش را به‌راحتی با آنها در میان بگذارد، سؤال بپرسد و نگرانی‌هایش را در فضایی امن به آنها بگوید. در چنین شرایطی فرزندان برای حل مسائل خود بیش از هر کس به والدینشان اعتماد می‌کنند و مسائلی از قبیل انتخاب رشته تحصیلی، شغل و همچنین سایر تصمیم‌ها برای آینده را ابتدا با آنها در میان می‌گذارند.

گفتنی‌ها در این باره بسیار است.

شما می‌توانید در شماره‌های نخستین ماهنامه مانا به بخش‌های مفصل‌تری از این گزارش‌ها دسترسی داشته باشید.

با امید به اینکه در سایه تدبیر شاهد کاهش فاصله میان فرزندان و والدین آنها باشیم.

روزهایتان پر از شوق زندگی!

اطلاعات عبارت‌اند از فاصله، موقعیت و حرکت. این سامانه همچنین یاد می‌گیرد که مکان‌های مختلفی مثل آشپزخانه، دفتر کار، گاراژ یا خیابان را تشخیص دهد تا بتواند به کاربر در تشخیص چیدمان محیط کمک کند. کوریاکوس توضیح می‌دهد: «سامانه‌ای که ما توسعه داده‌ایم، می‌تواند به شما بگوید چه موانعی پیش روی شماست و این موانع چقدر از شما فاصله دارند یا اینکه آیا چیزی در حال حرکت است یا خیر یا این شیء در سمت راست یا چپ شما قرار دارد». دیپ‌نوی را می‌توان به‌سادگی به‌عنوان یک برنامه روی گوشی اندرویدی نصب کرد. با گذاشتن گوشی به شکلی امن در جیب جلیقه، گوشی به‌صورت زنده از اطراف فیلم‌برداری می‌کند و از طریق هدفون بی‌سیم به کاربر بازخورد می‌دهد. آزمایش سامانه با کمک کاربران نابینا و کم‌بینا بازخوردی مثبت درباره قابلیت استفاده از این سامانه داشت. حمل این سامانه آسان و کاربرد آن مؤثر بود. کوریاکوس در تحقیقات خود دریافت یک تلفن هوشمند، به‌تنهایی، می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای کمک به نابینایان و کم‌بینایان در مسیریابی استفاده شود، یعنی بدون استفاده از حسگرهای اضافی، دستگاه‌های اضافی یا شبکه‌های داده بیرونی. این پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند که اگر به نیازها و ترجیح‌های کاربر اولویت داده شود، یک سامانه راهنمای مسیریابی می‌تواند در دسترس‌تر و کاربرپسندتر شود تا افراد بیشتری بتوانند به راحتی و با اطمینان از آن در زندگی روزمره خود استفاده کنند.

این پژوهشگر می‌گوید: «یکی از مزایای این راه‌حل این است که نیازی به اتصال به اینترنت ندارد.» او توضیح می‌دهد که در طول ارزیابی، آنها از کاربران پرسیدند: استفاده از دیپ‌نوی چه حسی دارد؟ علاوه بر این آنها از کاربران سؤال کردند که آیا می‌توانند به یک سامانه راهنمای مسیریابی بر پایه تلفن هوشمند اعتماد کنند و اینکه کدام را ترجیح می‌دهند: فقط دیپ‌نوی، فقط عصای سفید یا ترکیبی از دیپ‌نوی و عصای سفید؟

از سوی دیگر، توسعه سریع هوش مصنوعی و قدرت محاسباتی رو به افزایش تلفن‌های هوشمند، توسعه راه‌حل‌های بسیار کاربردی‌تری را ممکن کرده است. کوریاکوس می‌گوید: «این هم‌افزایی فناوری می‌تواند به‌طور مؤثری برای توسعه یک سامانه راهنمای مسیریابی برای نابینایان و کم‌بینایان استفاده شود». آمارهای سازمان بهداشت جهانی که نشان می‌دهند دویست میلیون نفر در جهان با آسیب بینایی روبه‌رو هستند و به کمک‌های فناورانه دسترسی ندارند، بر عظمت این مشکل تأکید می‌کند. سازمان بهداشت جهانی به بهبود دسترسی به فناوری کمکی باکیفیت و مقرون‌به‌صرفه برای همه در همه‌جا متعهد است؛ بنابراین یک سامانه مسیریابی مقرون‌به‌صرفه و کاربرپسند از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. هدف اصلی کوریاکوس توانمندسازی نابینایان و کم‌بینایان در مسیریابی مستقل با استفاده از آخرین نوآوری‌های فناورانه، به‌خصوص در زمینه هوش مصنوعی و حسگرهای تلفن‌های هوشمند برای برآوردن نیازهای منحصر به فرد آنها بوده است.

یادگیری عمیق نوعی هوش مصنوعی است که روش کسب دانش انسان را تقلید می‌کند. با همکاری نزدیک با نابینایان و کم‌بینایان، کوریاکوس دیپ‌نوی را طراحی و توسعه داده است. دیپ‌نوی سامانه راهنمای مسیریابی بر پایه یادگیری عمیق برای تلفن‌های هوشمند جهت کمک به نابینایان و کم‌بینایان در مسیریابی است که استقلال این افراد را افزایش می‌دهد. به این سامانه راهنما آموزش داده شده است تا موانع و راه‌های خروجی را که افراد نابینا و کم‌بینا ممکن است با آنها برخورد کنند درک کند. دیپ‌نوی از مدل‌های یادگیری عمیق برای تشخیص بی‌درنگ موانع استفاده می‌کند و برای انجام این کار از قابلیت‌های هوش مصنوعی تلفن‌های هوشمند بهره می‌برد.

دیپ‌نوی از حسگرهای موجود در تلفن هوشمند برای ارائه اطلاعات دقیق در مورد موانع استفاده می‌کند. این

وضعیت اعتبار شهادت نابینایان و

ناشنوایان در دادگاه‌ها

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان



همواره برای معلولان در گروه‌های مختلف و سایر افراد جامعه، با توجه به اهمیت دو حس بینایی و شنوایی، این پرسش مطرح است که آیا شهادت افراد نابینا و ناشنوا در دادگاه‌ها پذیرفته و به این شهادت اعتبار داده می‌شود؟

در ششمین شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران، در گفتگو با خانم دکتر فهیمه تقوی، با موضوع وضعیت اعتبار شهادت نابینایان و ناشنوایان، همراه شما هستیم.

فهیمة تقوی مدرک دکتری حقوق خصوصی را از دانشگاه تهران دریافت کرده است و از سال ۱۳۹۱ به وکالت اشتغال دارد.

مهمان این شماره در مقدمه و تعریف شهادت توضیح می‌دهد: شهادت که واژه‌ای عربی و معادل فارسی آن گواهی است، یعنی فردی به غیر از طرفین دعوی یا شکایت، از وقوع امری خبر دهد که در جریان پرونده و مسیر آن مؤثر باشد؛ به بیان ساده‌تر پاسخی که شاهد به پرسش‌های مقام قضایی می‌دهد، در جریان پرونده و رأی دادگاه مؤثر خواهد بود. او اضافه می‌کند: در متون

بیشتر مخاطبان پاسخ دادند که ترکیبی از دیپ‌نوی و عصای سفید را ترجیح می‌دهند. کاربران اضافه کردند که در حال حاضر به اینکه فقط از یک راهنمای بر پایه تلفن هوشمند برای مسیریابی در مکان‌های عمومی استفاده کنند اعتماد نمی‌کنند؛ باین‌حال آنها اذعان داشتند که با توجه به توانایی دیپ‌نوی در ارائه اطلاعات کامل‌تری در مورد محیط اطراف، ممکن است نظر آنها در آینده تغییر کند و اعتماد آنها به استفاده از دیپ‌نوی بدون عصای سفید می‌تواند با تمرین و آشنایی بیشتر افزایش پیدا کند.

سامانه‌ای که کوریاکوس توسعه داده است، یک نمونه اولیه تحقیقاتی است؛ باین‌حال دانش به دست آمده از طریق این پژوهش می‌تواند برای تحقیق بیشتر در این زمینه مفید باشد. پژوهش‌های کوریاکوس در قالب دو جایزه بهترین مقاله، به صورت بین‌المللی، شناخته شده‌اند. او می‌گوید: «ما هنوز به انجام اصلاحاتی در سامانه نیاز داریم و برای کمک به ایجاد یک راه‌حل بر پایه تلفن هوشمند کاملاً کاربردی و کاربرپسند به طراحان واسط کاربری احتیاج داریم.» کوریاکوس توضیح می‌دهد که با پیشرفت‌های هیجان‌انگیز در زمینه هوش مصنوعی و توسعه مدل‌های یادگیری عمیق پیشرفته‌تر، آنها انتظار دارند که دیپ‌نوی بهبود بیشتری پیدا کند. کوریاکوس می‌گوید: «برنامه‌های آینده ما همچنین شامل ارائه کنترل بیشتر به کاربران است که به آنها اجازه می‌دهد سامانه را طبق ترجیح‌ها و سبک مسیریابی منحصر به فرد خود شخصی‌سازی کنند. این موضوع به کاربران در استفاده از دیپ‌نوی انعطاف‌پذیری بیشتری می‌دهد.»

به‌عنوان یک مزیت اضافی، رواج گسترده تلفن‌های هوشمند، صرف‌نظر از شرایط اقتصادی این فناوری را برای بخش قابل‌توجهی از جامعه نابینایان و کم‌بینایان قابل‌دسترس می‌کند. با حذف نیاز به یک راهنمای مسیریابی اضافی، افراد می‌توانند به تلفن‌های هوشمند خود به‌عنوان راهنمای مسیریابی تکیه کنند.

پرونده‌ها که بینایی شاهد در اثبات موضوع دعوا مؤثر نیست، مثلاً تغییر نام، در مواردی که ضرورت دارد از طریق دادگاه انجام شود، شهادت افراد نابینا پذیرفته می‌شود و مانعی در این خصوص وجود ندارد، به‌رحال امور حقوقی اعم از مدنی و کیفری حساسیت خاصی دارند و شهادت شخص با شرایط و تعداد مشخص در قانون می‌تواند جرمی را اثبات یا مانع از اثبات جرمی شود و از سوی دیگر حقی را برای شخصی ایجاد یا از کسی سلب کند؛ در نتیجه باید برای مقام قضایی از طریق شهادت قطع و یقین به وجود آید و اینکه در چه موارد از طریق شهادت یک فرد نابینا یا ناشنوا چنین قطع و یقینی به وجود می‌آید، به اوضاع و احوال پرونده و نظر قاضی بستگی دارد.

علاقه‌مندان به آشنایی با مباحث مربوط به وضعیت پذیرش یا عدم پذیرش بیان شهادت نابینایان و ناشنویان در دادگاه‌ها، می‌توانند مشروح این گفتگو را در پادکست ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل‌مانا قابل دریافت است، دنبال کنند.



قانونی مختلف مقرراتی در خصوص تشریفات ادای شهادت و شرایط شاهد وجود دارد.

دکتر تقوی در خصوص مواردی که حضور شاهد و بیان شهادت در دادگاه ضرورت پیدا می‌کند می‌گوید: شهادت یکی از رایج‌ترین دلایل اثبات دعوا در دادگاه است و طرفین دعوی در همه دعای می‌توانند به شهادت شهود استناد کنند، البته در دعاوی مختلف، مقرراتی برای شرایط شاهدان و تعداد آنها بیان شده است. در قانون ایران بر اساس مبانی مذهبی و فقهی، به‌طور کلی وجود شرایطی از جمله عدالت، ایمان و نداشتن نفع شخصی برای شاهد ضرورت دارد. با توجه به شرایطی که برای شاهد در نظر گرفته شده است، سلامت جسمی جزء شرایط شاهد و بیان شهادت نیست؛ در نتیجه اصولاً افراد نابینا و ناشنوا می‌توانند در دادگاه شهادت دهند و مانعی در این خصوص وجود ندارد، ولی در موارد خاصی، در امور کیفری برای اثبات جرم از طریق شهادت شهود، ضرورت دارد که شاهد صحنه وقوع جرم را رؤیت کرده باشد؛ در نتیجه در این موارد قطعاً شهادت افراد دارای معلولیت بینایی پذیرفته نمی‌شود.

مهمان این شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران ادامه می‌دهد: طبق قانون، شاهد باید نسبت به موضوعی که شهادت می‌دهد، قطع و یقین داشته باشد و اگر موضوع به‌گونه‌ای باشد که فرد بدون دیدن یا شنیدن نتواند نسبت به آن یقین پیدا کند، شهادت او پذیرفته نمی‌شود. اعتبار و ارزش شهادت و تأثیر آن در نتیجه دعوا یا شکایت طرح‌شده، در نهایت به نظر قاضی بستگی دارد.

این وکیل دادگستری معتقد است در امور کیفری از سویی اثبات جرم پیچیدگی و اهمیت خاصی دارد و مقررات سخت‌گیرانه‌تر است و از سوی دیگر اثبات وقوع بسیاری از جرائم با دیدن و شنیدن ارتباط مستقیم دارد؛ بنابراین در بیشتر موارد شهادت نابینایان و ناشنویان در دادگاه پذیرفته نمی‌شود. تقوی اضافه می‌کند: در بعضی

شیوه به‌شمار می‌رود. آنان معتقدند چون معلمان این مدارس برای تدریس به دانش‌آموزان با آسیب بینایی آموزش دیده‌اند، قادرند پرچالش‌ترین درس‌ها مانند ریاضی و علوم را به‌صورت مناسب‌سازی شده ارائه دهند. تعداد کم دانش‌آموز در هر کلاس فرصت آموزش انفرادی و متناسب با نیازهای شخصی را فراهم می‌کند.

همچنین حضور مربیان و وجود امکانات، یادگیری مهارت‌های ویژه مثل جهت‌یابی و حرکت، کار با رایانه، مهارت‌های زندگی روزمره، ورزش‌های ویژه نابینایان و دیگر آموزش‌های مشابه را برای دانش‌آموزان فراهم می‌سازد. مناسب‌سازی محیط در یک فضای ویژه بسیار آسان‌تر است و همه می‌توانند به امکانات و ابزارهای خاص نظیر دستگاه‌های چاپ بریل، مدل‌های آموزشی قابل لمس، سالن ورزشی مخصوص و دیگر ابزارهای اختصاصی در فضایی متمرکز دسترسی داشته باشند؛ بنابراین با کمترین هزینه می‌توان بیشترین بازدهی را ایجاد کرد.

از سوی دیگر منتقدان این مدل بر این باورند که ایزوله‌سازی به محدودیت ارتباطی منجر می‌شود و افراد را از حضور فعال در جامعه بازمی‌دارد. جداسازی موجب می‌شود که هوش اجتماعی و روابط بین فردی رشد کافی نداشته باشد و فرد پس از خروج از سیستم محصور، بدون کسب آمادگی لازم، ناگاه با دنیایی ناشناخته روبه‌رو شود. جامعه نیز فرصت مواجهه با افراد متفاوت و پذیرش آنان را از دست می‌دهد.

همچنین فرد به سطحی خاص از آموزش محدود می‌شود و امکانی مثل تحصیل در مدارس با سطوح آموزشی بالا را که ممکن است در توانایی او باشد، از دست می‌دهد و رشد محدودی خواهد داشت. زندگی خوابگاهی نیز برای کسانی که محل زندگی‌شان از مدارس استثنایی دور است، می‌تواند آسیب‌های فراوانی در بر داشته باشد.

کدام‌یک کارآمدتر است: آموزش در مدارس استثنایی یا به‌صورت تلفیقی امین عرب: روان‌شناس و معلم رابط کودکان با نیازهای ویژه



تا حدود سه دهه پیش در ایران، تنها راه پیش روی دانش‌آموزان با آسیب بینایی برای تحصیل، حضور در مدارس استثنایی بود. به‌تدریج پای نوع دیگری از آموزش با عنوان «آموزش تلفیقی» به میان آمد. در این شیوه، دانش‌آموز با نیازهای ویژه در سایر مدارس و در کنار دیگر دانش‌آموزان درس می‌خواند. آموزش و پرورش استثنایی نیز موظف است امکاناتی را از قبیل معلم رابط برای رفع موانع حضور این گروه در مدارس فراهم کند. اینکه کدام نوع آموزش برای دانش‌آموزان با آسیب بینایی مناسب‌تر است، یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در بین معلمان، دانش‌آموزان و صاحب‌نظران به‌شمار می‌رود. کاهش ساعت‌های اختصاص معلم رابط به دانش‌آموزان در سال تحصیلی کنونی بار دیگر این پرسش را پررنگ کرد. در این جستار، به مزایا و معایب هر دو شیوه و روشن‌تر کردن ابعاد گوناگون این پرسش می‌پردازیم.

مدرسه استثنایی، جایی برای آموزش متمرکز و تخصصی

کسانی که از آموزش در مدارس استثنایی حمایت می‌کنند باور دارند که آموزش تخصصی با حضور معلمان متخصص در محیطی مناسب از مهم‌ترین مزایای این

نسل‌مانا

پذیرا با دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا در بیشتر موارد مثل یک وصله ناجور است.

تکلیف وضعیت آموزشی که کاملاً روشن است! معلمی که آموزشی در این خصوص ندیده، در یک کلاس شلوغ مطالب را روی تخته می‌نویسد و دانش‌آموز با آسیب بینایی چیزی از آن متوجه نمی‌شود. اختصاص منشی مناسب برای امتحانات هم که یکی از بزرگ‌ترین معضلات به‌شمار می‌رود. خدمات آموزش و پرورش استثنایی نیز که قرار است این کمبودها را جبران کند، اصلاً کافی نیست. اگر معلم رابط هم باشد، ساعت‌های محدودی را در مدرسه حضور دارد که همین ساعت‌های محدود در حال کم شدن است. کلاس‌های پشتیبان هم به‌جز در چند شهر برگزار نمی‌شود. از اتاق مرجع نیز خبری نیست!

منتقدان می‌گویند تنها شباهت آنچه در کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان آموزش فراگیر اجرا می‌شود با چیزی که ما تجربه می‌کنیم، در نام آن است. آموزش تلفیقی نیاز به استانداردهایی دارد که با رها کردن دانش‌آموزان به حال خودشان، یعنی آنچه در ایران رخ می‌دهد تفاوت بسیار دارد.

با این اوصاف به کدامین سو برویم؟

به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلاتی که در هر دو مدل به آنها اشاره می‌شود، نتیجه سوء مدیریت در آموزش و پرورش استثنایی است، نه صرف ایراد آن شیوه. حال اگر مدیریت سیستم را در بهترین حالت تصور و نقاط قوت و ضعف هر دو رویکرد را در نظر بگیریم، کدام‌یک می‌تواند گزینه بهتری باشد؟ اگر شرایط نابسامان آموزش و پرورش را مدنظر قرار دهیم، چه راهکار واقع‌بینانه‌ای برای نفع حداکثری دانش‌آموزان می‌توان ایجاد کرد؟ آیا گزینه سوم می‌تواند وجود داشته باشد که با ترکیب کردن رویکردها، مزایای هر دو را در بر بگیرد و کمترین آسیب را وارد کند؟

شما چه فکر می‌کنید؟

سوء مدیریتی که این روزها در آموزش و پرورش و بسیاری از مدارس استثنایی شاهد آن هستیم، موجب شده است تا مزایایی مثل حضور نیروی متخصص و وجود امکانات آموزشی لازم نیز زیر سؤال بروند. در چنین شرایطی گاه معلمانی که خط بریل نمی‌دانند و با آموزش نابینایان آشنایی کافی ندارند، وارد مدارس می‌شوند و مسئولان به بهانه کمبود بودجه از تجهیز مدارس خودداری می‌کنند.

مدافعان آموزش به‌صورت تلفیقی

هدف آموزش تلفیقی دستیابی به جامعه فراگیر است؛ جامعه‌ای که با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها، دسترسی به فرصت‌های برابر را برای تمامی اقشار تضمین می‌کند. مدافعان این آموزش بر این باورند که تجربه حضور در جامعه موجب رشد هوش هیجانی و روابط بین فردی می‌شود و دانش‌آموزان را برای آنچه پس از مدرسه در انتظارشان است، آماده می‌کند.

همچنین هر دانش‌آموز می‌تواند مدرسه دلخواه خود را انتخاب و در آن تحصیل کند؛ مدرسه‌ای که به محل سکونت او نزدیک‌تر و از نظر سطح آموزش با نیازهای او متناسب باشد. دسترسی به امکانات خاصی که برای دانش‌آموز نابینا مورد نیاز است به کمک معلم رابط، مدرسه پشتیبان و اتاق مرجع فراهم می‌شود. فراهم آوردن شرایط تحصیل در نزدیکی محل زندگی دانش‌آموز هدفی است که نه تنها در ایران، بلکه پیش‌گامان آموزش استثنایی در کشورهای توسعه‌یافته نیز آن را دنبال می‌کنند.

مخالفان آموزش به‌صورت تلفیقی

مخالفان آموزش تلفیقی چالش‌های فراوان این شیوه را علت ناکارآمدی آن می‌دانند. این گروه اظهار می‌دارند که مدارس پذیرا نه از نظر محیط فیزیکی برای دانش‌آموزان با آسیب بینایی مناسب هستند، نه به لحاظ فرهنگی آمادگی لازم در آنها وجود دارد. برخورد مدارس

مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا گردآوری و ترجمه: مریم مشایخی



من افراد معلول زیادی رو آموزش دادم و استخدام کردم و افراد نابینایی رو تحویل جامعه دادم که مهارت‌ها، اعتمادبه‌نفس و توانایی‌های لازم رو برای داشتن یه زندگی خوب و مستقل دارند. بعد از مدتی حوصله‌م سر رفت و در سال ۲۰۱۶ اون شرکت رو فروختم که البته همچنان داره به کار خودش ادامه می‌ده. بعد از اون کارای جالبی رو در همین زمینه شروع کردم، تلاش کردم در بازار تدریس مؤثر باشم و دوره‌های آموزشی برگزار کردم، اما سم! من همیشه دوست داشتم به آدم‌ها کمک کنم و آموزش‌هایی رو تدارک ببینم که به آدم‌ها کمک کنه بتونن رکود، سردرگمی، تردید و افسردگی رو پشت سر بذارن و فارغ از سد ذهنی که باورای ناتوان‌کننده راجع به نابینایی برای اونا ایجاد کرده زندگی کنن.

اما آیا هر روز این کار رو می‌کنم؟ مسلماً نه! بعضی وقتا حالش رو ندارم، شاید حتی در طول یک روز نیم‌ساعت این کار رو انجام بدم، اما از همون نیم‌ساعت بسیار لذت می‌برم و بعد به کارای دیگه‌م می‌رسم.

سم: چارلی! قبل از هر چیز اینکه به ترست موقع دریافت پیشنهاد فروش موتورسیکلت اشاره کردی رو خیلی دوست داشتم. من خیلی راجع به این موضوع حرف زدم؛ درواقع همه ما که مشکل بینایی داریم، با این ترس و بی‌اعتمادی نسبت به خودمون مواجه می‌شیم؛ اینکه آیا ما می‌تونیم این کار رو انجام بدیم؟ آیا تواناییش رو داریم؟ آیا به اندازه کافی خوب هستیم؟ حتی چیزهای خیلی جزئی، مثلاً وقتی دوستانمون از ما دعوت می‌کنن باهم به یه کافه بریم، این جوری هستیم که ای بابا! کافه تاریکه، شلوغه و از این حرفا. خود اینم یه ترسه که شما رو از انجام دادن این کارا منع می‌کنه. جهشای کوچیک مثل کافه رفتن یا جهشای بزرگ مثل شروع یه شغل جدید، اینا ترس‌هاییه که باید بهشون غلبه کنیم، اصلاً راحت نیست، ولی همون‌طور که تو گفتی اگه بتونی از پشش بر بیای، بیشتر وقتا به یه حس مثبت ختم می‌شه. نکته دیگه‌ای که تو حرفای تو خیلی دوست داشتم، اینکه که شروع کارت تو فروشگاه موتورسیکلت یه کار

سلام رفقا! امروز قراره بخش دوم از صحبت‌های من با آقای چارلی کالینز رو بشنوید که راجع به شغل فعلیش، شغل‌های قبلیش و از این‌جور چیزا باهم صحبت می‌کنیم، پس اگه قسمت قبلی رو نخوندید، حتماً اول اون رو بخونید.

چارلی: خب! من از این کار بیرون اومدم، چون درواقع به مردم کمکی نمی‌کردم. خب! شما یه موتورسیکلت می‌خواین؟ می‌شه به عبارتی ۹۶۰۰ دلار، پس من دیگه به مردم هیچ کمکی نمی‌کردم. یه روز داشتم با خودم فکر می‌کردم پسرا! تو باید یه خرده‌فروشی باز کنی تا بتونی به مردم کمک کنی، ولی اصلاً نمی‌دونستم چه چیزایی برای افراد با آسیب بینایی وجود داره، هیچ نظری نداشتم! من تا اون موقع فقط هفت‌هشت وسیله‌ای رو دیده بودم که نمایندگی ایالتمون داشت و به من نشون داده بودند، پس برگشتم خونه و زدم به دل کار. شرکتی رو تأسیس کردم که سال‌به‌سال رشد کرد و به تدریج افراد نابینا و کم‌بینا، افراد با آسیب شنوایی و حتی افرادی رو که از ویلچر استفاده می‌کردند استخدام کردم، ولی سعی کردم بیشتر افراد معلول رو استخدام کنم. بله! قبول دارم که یه کم تبعیض‌آمیز برخورد کردم، البته که ما راننده‌ها و کارمندهای بینا هم نیاز داشتیم، پس کاملاً هم این‌طور نبود.

فرمی پر کنم، این کارها رو هم می‌تونم بکنم، البته من ۵۵ساله و گاهی هنوز به روشای قدیمی می‌چسبم.

سم: البته این هم نکته مهمیه و خوبه که بهش توجه کنیم. همه چی قرار نیست ۱۰۰ درصد برای ما کار کنه. گاهی باید راه‌های مختلفی رو امتحان کنیم تا راهی رو که برامون مناسبه پیدا کنیم. راستی! الان ذره‌بینت همراهته؟

چارلی: بله آقا! یکی هم نه، دوتا دارم سم! چون دوتا چشم دارم.

سم: وقتی همکاریات فهمیدن که تو مشکل بینایی داری، چطور باهات ارتباط برقرار می‌کردن؟ آیا مشکل بیناییت رو می‌پذیرفتن؟ می‌دونم کریستین که در حال حاضر باهش کار می‌کنی این رو پذیرفته، اما همکاریات تو کارهای دیگه چطور؟

چارلی: هیچ‌وقت نشد با کسی روبه‌رو بشم که مشکل من رو نپذیره. توی اسکی همه می‌دونستن. تو شرکت تنیس هم همه می‌دونستن، چون همه بهم کمک می‌کردن. این نکته مهمیه. توی فروشگاه موتورسیکلت هم اولش می‌ترسیدم، ولی همه می‌دونستن. واقعاً مشکل بزرگی نبود، چون من کارم رو انجام می‌دادم و بعد، اینکه من انسان ویژه‌ای نیستم، استحقاق ویژه‌ای ندارم، اما اونا دیدن که من سخت کار می‌کنم تا راهایی رو پیدا کنم که بتونم کارمند خوبی برای شرکت باشم. پس این کار من رو تحسین می‌کردن.

سم: خب! ممنونم چارلی. ممنون که به برنامه من اومدی و داستانت رو با ما به اشتراک گذاشتی.

چارلی: مثل همیشه برای من افتخاریه که با تو هم کلام بشم.

سم: برای منم همین‌طوره پسر!

خب دوستان! مثل همیشه ممنونم که کنارمون بودید. ما، سم و چارلی، از شما خداحافظی می‌کنیم.

داوطلبانه بود. به نظرم داوطلب شدن برای ما گزینه فوق‌العاده‌ایه برای قدم گذاشتن تو به محیط جدید که نه تنها ابتکار عمل رو نشون می‌ده، بلکه انگیزه شما رو هم نشون می‌ده. به اونا نشون می‌ده شما چطور نیروی کاری هستید؛ همون‌طور که گفتید، تو قراره هر روز اونجا باشی و هر روز بدرخشی! قراره کاری رو اونجا انجام بدی و عضو مفید و ارزشمند اون سازمان باشی، حتی اگه حقوقی هم نگیری، بعضی وقتا یا بهتره بگم بیشتر اوقات این کار می‌تونه به یه شغل درآمدزا تبدیل بشه؛ همون‌طور که برای من در جایی که الان کار می‌کنم اتفاق افتاد. من اول داوطلبانه کارم رو شروع کردم که خیلی هم عالی پیش رفت و در کل پیشنهاد فوق‌العاده‌ایه.

چارلی: کاملاً درسته! من به بچه‌هام که الان ۲۴ساله و ۲۲ساله هستند، می‌گم برید سر کاری که دوست دارید، بگید سلام! من واقعاً کاری رو که شما انجام می‌دید و شرکت شما رو دوست دارم، به ارزشش شما باور دارم و جهت‌گیری شما و تأثیری رو که می‌ذارید تحسین می‌کنم. می‌شه من پیام و بدون حقوق اینجا کار کنم؟

سم: خب چارلی! تو برای انجام دادن کارات یا مسافرت رفتن و این جور چیزا از وسایل کمکی هم استفاده می‌کنی؟

چارلی: اول از همه یه باور، باور به اینکه بله، من می‌تونم. بعد از اون، چیزی که بدون اون من از خونه بیرون نمی‌رم، یه ذره‌بین جیبیه. در محیط خونه البته مانیتورهای کامپیوتری بزرگ‌تر دارم. من از ویندوز استفاده می‌کنم که خودش دسترس‌پذیره و برای من عالی کار می‌کنه. من همه کارای کامپیوتریم رو این شکلی انجام می‌دم، البته از چراغای رومیزی هم استفاده می‌کنم. خیلی از متن‌ها هم الکترونیکیه و می‌تونم راحت بشینم و خود کامپیوتر برام بخونه، ولی با این حال خودم بعضی چیزا رو می‌خونم، ممکنه چیزی هم بنویسم یا

آموزش جهت‌یابی به نابینایان، متولی ندارد

رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه معلولان



باینکه در تمام سال‌های مدرسه شاگرد زرنگ محسوب می‌شدم و هوش بالایی داشتم، اما از اینکه نمی‌توانستم به تنهایی جایی بروم عذاب می‌کشیدم.

هر روز مادر یا برادرم مرا تا مدرسه همراهی می‌کردند و من به‌خصوص از وابسته بودن به برادری که از خودم چند سال کوچک‌تر بود، اذیت می‌شدم. این فکر که تا آخر عمر، حتی برای رفتن تا سر کوچه هم باید به خانواده‌ام نیازمند باشم، مایوسم می‌کرد و با خودم می‌گفتم: وقتی هرگز نمی‌توانم مستقل تا آن طرف خیابان بروم، درس خواندن و نخواندنم چه فرقی می‌کند؟!

آن وقت‌ها نمی‌دانستم چیزی به نام «جهت‌یابی» وجود دارد و نابینایان با این مهارت می‌توانند تا آن سر دنیا هم بروند، هر بار که دور از چشم خانواده تلاش کرده بودم مسیری را تنهایی بروم و تجربه کنم، با دست و پای زخمی و سر و صورت خونین برگشته بودم.

این مطالب را مهدی نوایی از سال‌های مدرسه‌اش می‌گوید؛ فرد نابینایی که حالا دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق است. او می‌گوید: ناامیدی من همین‌طور

نسل‌مانا

ادامه داشت؛ تا اینکه در اواخر سال‌های راهنمایی با پسری که تازه به مدرسه ما آمده بود، هم‌کلاسی شدم. او بسیار توانمند بود و من از روزی که دانستم او باینکه فاصله خانه‌اش تا مدرسه دورتر از خانه ما است، به تنهایی رفت و آمد می‌کند، جذب او شدم و ظرف چند هفته جهت‌یابی را از او یاد گرفتم. از آن سال دنیای من عوض شد و رضا به اندازه پدر و مادرم در زندگی من اثر گذاشت.

جهت‌یابی، واجب‌تر از نان شب

فنون جهت‌یابی و مسیریابی از جمله مهارت‌هایی است که آموزش آن به افراد کم‌بینا و نابینا از نان شب هم واجب‌تر است؛ در واقع نابینایان علاوه بر مهارت‌های تحصیلی باید مهارت مسیریابی و جهت‌یابی را هم کسب کنند تا در بزرگسالی مستقل باشند و بتوانند با حداقل کمک در محیط حرکت کنند.

چون مقدمه آموزش مهارت جهت‌یابی، داشتن حواس پرورش‌یافته و توانایی انجام حرکت به صورت‌های مختلف است؛ بنابراین این آموزش‌ها باید از سال‌های کودکی آغاز شود، اما با وجود این میزان از اهمیت یادگیری جهت‌یابی در سنین پایین، هنوز جهت‌یابی به‌طور آکادمیک به نابینایان آموزش داده نمی‌شود و نابینایان این مهارت را همچنان به‌صورت تجربی از یکدیگر می‌آموزند.

آماده برای یک عمر تنهایی

جهت‌یابی موضوعی کاملاً حساس است و به امنیت جانی انسان‌ها مربوط می‌شود. اگر مربی در انتقال فنون دچار اشتباه شود، این اشتباه ممکن است به قیمت جان افراد تمام شود.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی یکی از نهادهای متولی آموزش جهت‌یابی است، اما اغلب مدارس نمی‌توانند این مهارت را به دانش‌آموز نابینا یاد بدهند، چون با گذشت نزدیک به چهل سال از شروع آموزش

علی عرفانی‌نیا، دانش‌آموز سال دوازدهم، می‌گوید: آنچه در کنار درس برای فردی نابینا، به‌ویژه در دوران مدرسه مهم و ضروری است، آموزش جهت‌یابی است که متأسفانه در سیستم آموزشی ما وجود ندارد.

او که خود از دانش‌آموزان موفق نابیناست ادامه می‌دهد: فرد نابینا باید به‌محض ورود به مدرسه با جهت‌یابی و موانعی که ممکن است در رفت و آمد سر راهش قرار بگیرد، آشنا شود و آموزش‌های لازم برای برخورد با این موانع را بیاموزد؛ به‌طور مثال باید بیاموزد در هنگام عبور از خیابان چطور با عصایش به ماشین‌ها علامت ایست بدهد تا عبور کند یا بداند عصایش را چگونه در دست بگیرد.

عرفانی‌نیا اضافه می‌کند: بسیاری از دوستان دارای محدودیت به دلیل نیاموختن مهارت‌های جهت‌یابی عصا را در خیابان طوری به دست می‌گیرند که در صورت برخورد با مانع، همان عصا باعث آسیب آنها می‌شود یا حتی در مدرسه چون کسی نیست بچه‌ها را با محیط آشنا کند و حداقل‌های مسیریابی را به آنها بگوید، بچه‌ها پس از چند ماه همچنان راه خود را پیدا نمی‌کنند.

او تأکید می‌کند: آموزش جهت‌یابی در مدارس برای نابینایان کاملاً لازم است و جنبه‌ی زیربنایی دارد. برای اثبات این ضرورت کافی است بگویم بسیاری از افراد نابینا که نتوانسته‌اند جهت‌یابی را یاد بگیرند، پس از سال‌ها هنوز برای رفت و آمد به دیگران وابسته هستند و با وجود توانمندی‌های بالای علمی، نمی‌توانند تنها جایی بروند و این مشکلی اساسی است.

به گفته‌ی عرفانی‌نیا سیستم آموزشی نباید با عدم ارائه آموزش‌های لازم به گوشه‌نشینی نابینایان و عدم استقلال آنها دامن بزند. این سیستم وقتی در مدارس نابینایان را آموزش می‌دهد، باید بداند که زیرساخت همه‌ی این آموزش‌ها استقلال و لازمه‌ی استقلال آموزش جهت‌یابی است و جهت‌یابی برای نابینایان حکم الفبا را

نابینایان در ایران، وزارت آموزش و پرورش و آموزش استثنایی هنوز نتوانسته است این مهارت مهم را در شمار واحدهای درسی دانش‌آموزان با محدودیت بینایی درآورد تا این مهارت مهم به‌عنوان یک ساعت آموزشی، وارد برنامه‌ی درسی هفتگی دانش‌آموزان نابینا شود.

همین نقص باعث شده تا مدارس نتوانند به‌صورت رسمی آموزش جهت‌یابی را به عهده بگیرند و حتی نمی‌توانند برای این کار مربی داشته باشند. این‌گونه می‌شود که دانش‌آموز از مدرسه‌ی نابینایان بدون یادگیری استفاده از عصا فارغ‌التحصیل می‌شود و با وجود داشتن تحصیلات و تنی‌ساله، تنها به دلیل عدم یادگیری جهت‌یابی، آماده‌ی یک عمر انزوا و اسارت در خانه می‌شود.

فقدان مسئولیت در متولیان اصلی

یکی از کارکنان آموزش استثنایی بیان می‌کند: در همه‌جای دنیا سیستم آموزش جهت‌یابی این‌گونه است که مربی‌های آموزش‌دیده در مراکز معتبر که گواهی آموزش دریافت کرده‌اند، در مراکز نابینایی فنون جهت‌یابی و حرکت را به‌صورت عمومی یا خصوصی آموزش می‌دهند، اما در ایران نه مربی‌ها بر اساس روش‌های علمی آموزش می‌بینند و نه خبری از گواهی و مبنای علمی است و همه‌ی کسانی که آموزش می‌دهند، کسانی هستند که خودشان به‌صورت تجربی این مهارت را یاد گرفته‌اند.

یکی از مسئولان سازمان بهزیستی می‌گوید: بهزیستی موظف است جهت‌یابی را در مراکز توان‌بخشی به نابینایان آموزش بدهد، اما بهزیستی در عمل برای این کار نه برنامه‌ای دارد و نه بودجه‌ای در نظر می‌گیرد، حتی اساساً مرکزی برای این آموزش وجود ندارد که نابینایان بتوانند به آن مراجعه کنند.

ضرورت آموزش جهت‌یابی در حکم ضرورت آموزش الفباست

آموزش دیده‌اند و آموزش آنها با تدریس ساده یک معلم از روی کتاب کاملاً متفاوت است.

به گفته کریمی با وجود تلاش‌های به عمل آمده، ما الآن در سیستم آموزش استثنایی کشور، معلم آموزش جهت‌یابی و رشته دانشگاهی ویژه این بحث نداریم.

او که از روی علاقه شخصی، زندگی کاری‌اش را به سمت و سوی معلولیت تغییر مسیر داده است، توضیح می‌دهد: من با دانش نظری که در تدوین رساله خودم هم با آن سروکار داشتیم، در سال ۱۳۹۸، کتاب راهنمای برنامه درسی جهت‌یابی و حرکت را در دو بخش نظری و عملی منتشر کردم.

این مدرس آموزش استثنایی می‌افزاید: بابت انتشار این کتاب، نه تنها از من استقبال و حمایتی نشد و حق تألیف نگرفتم، بلکه پول ویرایش آن را هم خودم تأمین کردم. کتاب توسط دانشگاه علوم بهزیستی در هزار نسخه منتشر و بین استان‌ها توزیع شد و همین برای من کافی است، چون از روی علاقه شخصی این کار را انجام دادم.

هنوز در میان نابینایان، هستند افرادی که تحت آموزش‌های مربیان دوره‌دیده و باتجربه قدیمی مهارت‌های جهت‌یابی و حرکت را فرا گرفته‌اند و به‌خوبی از عهده رفت و آمد و مراقبت‌های روزمره برمی‌آیند، اما نابینایان جوان‌تر از دریافت چنین مهارت‌هایی محروم مانده‌اند و در صورت تداوم وضع موجود و ادامه غفلت متولیان مربوط، در آینده باید شاهد جامعه‌ای باشیم که نابینایانش به‌سختی از پس رفع نیازهای روزمره‌شان برمی‌آیند.

امید است مسئولین در مراکز دولتی همچون سازمان آموزش و پرورش استثنایی و بهزیستی و مراکز غیردولتی نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد، با اتکا به دانش صاحب‌نظران، به‌سرعت اقدام مقتضی را برای رفع این نقیصه اساسی صورت دهند.

دارد. آیا می‌شود قبل از آموزش الفبا به دانش‌آموز چیزی آموخت؟

سیستم آموزش استثنایی کشور، معلم آموزش جهت‌یابی ندارد

دکتر اشرف کریمی، نویسنده کتاب *راهنمای برنامه درسی جهت‌یابی و حرکت*، می‌گوید: سال ۱۳۷۵ شورای عالی آموزش و پرورش در مصوبه ناقصی آموزش جهت‌یابی به نابینایان را قبول کرد که در اجرا هم ناقص ماند.

او اضافه می‌کند: در سال‌های اخیر با تلاش برخی کارشناسان دلسوز این آموزش دوباره پررنگ شد و دوره‌های آموزش ضمن خدمت در تهران گذاشته شد. در سال‌های کرونا هم وقتی فضای مجازی مثل امروز محدود نبود، با برگزاری کلاس برخط در پلتفرم‌های مختلف با هزینه کمتر، تعداد بیشتری از معلمان آموزش استثنایی را با این مقوله آشنا کردیم و حدود هفتاد تا صد نفر آموزش دیدند. ما هم به‌صورت برخط کارهای آنها را نقد و ارزش‌یابی می‌کردیم، اما مصوبه دو اشکال اساسی داشت.

به گفته کریمی نخستین اشکال مصوبه مذکور این بود که فقط ویژه دانش‌آموزان ابتدایی بود و اشکال بعدی این بود که این مصوبه با کاهش ساعت‌های آموزش و تعطیلی پنجشنبه‌ها، چون برنامه آکادمیک در اولویت قرار گرفت، به‌طور کامل فراموش شد.

این آموزگار باتجربه آموزش استثنایی بیان می‌کند: در کشورهای پیشرفته و به‌خصوص در آمریکا بحث جهت‌یابی، دانشکده و دانشگاه دارد و به دانش‌آموختگان مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد داده می‌شود؛ بنابراین آموزش موضوع‌های تخصصی مانند جهت‌یابی بر عهده معلم معمولی گذاشته نمی‌شود، بلکه کسانی می‌توانند در مدارس این دانش را تدریس کنند که دانشگاه رفته و دست‌کم ۱۲۰ ساعت با چشم بسته

نخستین روش: استفاده از ویتامین A و روغن ماهی

ویتامین A ویتامین محلول در چربی هست که نقش مهمی در چرخهٔ بینایی دارد. نتایج بعضی از مطالعات نشان داده که استفاده از ویتامین A نقش مؤثری در پیشگیری از شدت پیدا کردن بیماری آرپی در مبتلایان داشته است، البته در این بین مطالعاتی هم هستند که ویتامین A را تقریباً بی‌تأثیر دانسته‌اند، اما با دید مثبت ویتامین A، لوتئین و روغن ماهی به شکل روتین برای بیماران آرپی تجویز می‌شود، البته هنوز مطالعات در این زمینه ادامه دارد. همین‌طور مطالعات نشان داده است که مصرف ویتامین A در گروه کوچکی از بیماران آرپی که در ژن PRPH2 خود دارای جهش بودند، اثربخشی بیشتری داشته است، اما باید بدانید که استفادهٔ مکرر از دوزهای بالای ویتامین A بدون عارضه نیست و ممکن است برای مصرف‌کننده عوارضی داشته باشد.

حالت تهوع، کاهش میل به غذا، سردرد، سرگیجه، خستگی، احساس خشکی و خارش پوست مثال‌هایی از عوارض کوتاه‌مدت این ویتامین هستند، اما سمی شدن کبد، افزایش احتمال پوکی استخوان و شکستگی در ناحیهٔ لگن از جمله عوارضی هستند که در صورت استفادهٔ طولانی‌مدت از ویتامین A با دوز بالا ممکن است برای بیمار ایجاد شود.

روش دوم، استفاده از داروهای خوراکی مثل آستازولامید و قطره‌های چشمی مثل دورزولامید

در بعضی از بیماران آرپی لکهٔ زرد چشم یا همان ماکولا که باعث وضوح دید مرکزی چشم می‌شود، متورم و این ورم باعث کاهش بیشتر بینایی در این بیماران می‌شود.

مطالعات نشان داده است که مصرف داروهایی مثل آستازولامید و دورزولامید می‌تواند باعث کاهش ورم ماکولا و افزایش بینایی بیماران آرپی شود.

**تازه‌های بیماری آرپی
مؤسسه پیشگیری از نابینایی (مپینا)**

بیماری آرپی یا رتینیت پیگمنتوزا که در زبان عامیانه به آن «شب‌کوری» هم گفته می‌شود، گروهی از بیماری‌های ارثی شبکیه هستند که در آنها سلول‌های گیرندهٔ نور که وظیفهٔ تبدیل نور و روشنایی به سیگنال‌های بینایی را دارند، به‌طور پیش‌رونده‌ای تحلیل می‌روند.

زمان شروع این بیماری در افراد مختلف متفاوت است و بیماری می‌تواند در دوران کودکی یا در بزرگسالی فرد بروز پیدا کند. بیماری آرپی اغلب با احساس ضعف دید در شب شروع می‌شود و به‌مرور زمان دید محیطی و بعد مرکزی بیمار را دچار اشکال می‌کند و در موارد خیلی پیشرفته می‌تواند به نابینایی منجر شود.

در حال حاضر درمان قطعی‌ای برای تمام انواع بیماری آرپی، به‌صورت گسترده، وجود ندارد، البته که هر روز مراکز تحقیقاتی و درمانی در نقاط مختلف دنیا و در کشور خودمان در حال تحقیق برای پیدا کردن درمان قطعی برای این بیماری هستند و فلسفهٔ تشکیل مؤسسهٔ مردم‌نهاد پیشگیری از نابینایی یا همان «مپینا» هم جذب کمک‌های انسان دوستانه برای حمایت از تحقیقات در حوزهٔ بینایی است که بیماری آرپی هم بخش مهمی از این اهداف را شامل می‌شود.

در کنار تلاش برای درمان قطعی، تحقیق‌های دیگری در دنیا برای کمک به بهبود دید بیماران آرپی یا کند کردن روند بیماری آنها هم در حال انجام است که در ابتدای این بخش به بررسی آنها می‌پردازیم، اما قبل از شروع باید بدانید که اگرچه تمامی این اطلاعات بر اساس تحقیق‌های علمی و کاملاً مستند هستند، اما بسته به نوع و شدت بیماری یا بیماری‌های زمینه‌ای شما می‌تواند برای همه مناسب نباشند؛ بنابراین استفاده از آنها باید حتماً با توجه به دستور پزشک معالج انجام شود.

است، ضبط می‌شود و بعد تصویر توسط قطعه الکترونیکی داخل چشم باعث تحریک شبکیه و ایجاد تصویر می‌شود. این سیستم «آرگوس ۲» نام دارد.

یکی از مهم‌ترین ایرادهای این روش این است که این جراحی فقط روی بیماران آرپی با کاهش شدید بینایی مؤثر است و پس از جراحی تنها، به‌طور خفیفی، بهبودی در بینایی به دست می‌آید و نتیجه‌ای که مورد انتظار بیمار است حاصل نمی‌شود. مشکل دوم ایجاد عفونت و التهاب داخل چشمی بعد از جاگذاری قطعه در بعضی از بیماران آرپی است که در نهایت باعث شده است تا تولید قطعه توسط کمپانی سازنده متوقف شود.

- استفاده از تحریک‌های الکتریکی شبکیه

روش دوم، استفاده از تحریک‌های الکتریکی شبکیه در درمان بیماران آرپی است. تا به حال در مطالعات بسیار کمی به بررسی اثربخشی این روش در درمان آرپی پرداخته شده است. بعضی از این مطالعات معتقد هستند که استفاده از تحریک‌های الکتریکی می‌تواند باعث محافظت و جلوگیری از تخریب سلول‌های سالم شبکیه شود و در نتیجه سرعت پیشرفت بیماری آرپی را کم کند، ولی هنوز هیچ مطالعه کنترل‌شده و معتبری این اثر را نشان نداده است. یکی از محدودیت‌های این روش اثر موقتی آن و نیاز به تکرار جلسه‌های درمانی است و نکته مهم این است که اثربخشی این روش در مدت‌زمان طولانی به‌هیچ‌عنوان مشاهده نشده است.

روش‌های نوین و در حال توسعه درمان آرپی

داروهای مرتبط با ژن درمانی و سلول درمانی، مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روش‌های جدید هستند. بر اساس مطالعات اخیر، ژن درمانی به‌عنوان روش اصلی درمان آرپی معرفی شده است. در این روش هدف درمان، اصلاح مستقیم ژن عامل بیماری در فرد بیمار است. تا به امروز یازده مورد داروی ژن درمانی در مرحله بالینی

روش سوم، استفاده از عینک‌های آفتابی مناسب و محافظت از چشم در برابر نور خورشید

مطالعات نشان داده که تابش نور خورشید می‌تواند به افزایش سرعت تخریب سلول‌های شبکیه‌ای در بیماران آرپی منجر شود؛ بنابراین توصیه می‌شود که تا جای امکان چشم‌ها از تابش مستقیم نور خورشید محافظت شوند، البته این مسئله هنوز به تحقیق‌های بیشتری نیاز دارد و در حال حاضر بیشتر به شکل یک فرضیه مطرح شده است.

راه دیگر، استفاده از ابزارهای کمک بینایی

ابزارهای کمک بینایی می‌توانند کیفیت دید و در نتیجه زندگی بیماران آرپی را بهبود ببخشند. این روزها ابزارهای مختلفی مثل تلسکوپ‌های تک‌چشمی یا دوچشمی، ذره‌بین‌های دستی یا پایه‌دار و فیلترهای رنگی و تجهیزات الکترونیکی در تعدادی از کلینیک‌های کم‌بینایی برای بیماران آرپی تجویز می‌شوند. هر کدام از این ابزارها بسته به میزان دید و نیاز بیمار، می‌توانند باعث افزایش دید بیمار در فاصله‌های دور و نزدیک شوند.

روش‌های درمانی

در ابتدا در مورد نتایج تحقیق‌های روش‌های درمانی موجود صحبت می‌کنیم و بعد به سراغ روش‌های جدید درمانی می‌رویم.

- جراحی

جراحی یکی از روش‌های موجود درمانی است؛ در واقع اساس این روش قرار دادن یک قطعه از طریق جراحی در شبکیه چشم بیمار است که با تولید پیام‌های الکتریکی باعث تحریک سلول‌های شبکیه می‌شود؛ در حقیقت با استفاده از این قطعه، تصویر محیط با استفاده از دوربینی که روی عینک مخصوص قرار داده شده

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد

کتابخانه‌های عمومی ایلام

بار دیگر میهمان
لحظتان می‌شویم
و همراه با سعید
عابدی، کتابدار
بخش نابینایان



کتابخانه فاطمه زهرا (س)، در شهرداری اصفهان، سری
به قفسه‌های کتاب می‌زنیم و این بار راجع به داستان و
رمان خارجی با میهمان نواک به گپ و گفت می‌نشینیم.

سعید عابدی متولد سال ۱۳۵۹ و فارغ‌التحصیل رشته
حقوق عمومی از دانشگاه شهید بهشتی است. او معتقد
است که چرخ روزگار آن قدر چرخیده که او را آنجایی که
باید و برخلاف اراده و تصورش که برایش بهتر بوده،
قرار داده است. وی ده سال است که به‌عنوان کتابدار
فعالیت دارد و از تولیدکنندگان کتاب‌های گویا برای افراد
با آسیب بینایی در موضوع‌های مختلف است و در این
ده سال بیش از هشتصد عنوان کتاب گویا به جامعه
نابینایان تقدیم کرده است.

عابدی داستان و رمان خارجی را هم از آن نظر که ما را
با بافت فرهنگی و فکری متفاوتی از خودمان آشنا
می‌کند و هم اینکه می‌شود کار مترجم‌های مختلف را
باهم قابل مقایسه کرد، مهم و مورد علاقه خود می‌داند.
او معتقد است داستان و رمان کوتاه در فرهنگ
مغرب‌زمین ریشه دارد و عمدتاً آثار فاخر هم در همان
بستر خلق می‌شوند. عابدی از دید مخاطبان هم تجربه
خود را بیان می‌کند و می‌گوید که آنها نیز علاقه‌مند این
ژانر هستند. به نظر او که خود را موظف به جلب رضایت
مخاطبان می‌داند و آن را یکی از مهم‌ترین هدف‌هایش

فاز دوم و دو داروی ژن‌درمانی در فاز سوم مطالعات
بالینی هستند.

اکنون داروی لوکسترنا^۱ تنها داروی تأییدشده با روش
ژن‌درمانی در دنیا است که موفقیت درمان با آن روی
گروهی از بیماران مبتلا به بیماری‌های وراثتی شبکیه با
جهش در ژن RPE65 نشان داده شده است. جهش در
این ژن اغلب عامل بیماری در بیماران مبتلا به
لیپ‌آموروزیس مادرزادی^۲ است و کمتر از یک‌درصد
بیماران آرپی دارای نقص در این ژن هستند.

خبر خوب این است که پژوهش در این حوزه برای
معرفی داروهای ژن‌درمانی روی سایر ژن‌های عامل
بیماری آرپی در دنیا در حال انجام است و پژوهشگران
با ممارست در حال تحقیق روی باقی ژن‌های مؤثر در
بیماری آرپی هستند.

اگرچه همیشه بیشترین توجه ما به روش ژن‌درمانی
معطوف بوده است، اما سلول‌درمانی هم می‌تواند
کاربردهای گسترده‌ای در درمان بیماری‌ها، از جمله آرپی
داشته باشد. در حال حاضر مطالعات سلول‌درمانی با دو
روش سعی بر درمان بیماران آرپی دارند؛ یکی از طریق
حفظ و بازیابی عملکرد سلول‌های بینایی و دیگری با
جایگزین کردن مستقیم سلول‌های مرده و ناکارآمد با
سلول‌های سالم. اکنون دو داروی سلول‌درمانی در فاز
دوم مطالعات بالینی هستند و این خبر خوبی برای همه
کسانی است که با اشتیاق نتایج مطالعات را دنبال
می‌کنند؛ هرچند نباید فراموش کنیم که این پژوهش‌ها
قرار نیست در مدت کوتاهی به نتیجه برسند و رسیدن
به نتیجه مطلوب نیازمند مطالعات بسیار و تلاش‌های
مستمر پژوهشگران در سراسر دنیا است، پس از شما
می‌خواهیم تا صبور باشید و پادکست ره نو را دنبال کنید!
مطمئن باشید که ما از این طریق شما را در جریان
تازه‌ترین پژوهش‌های روز قرار خواهیم داد.

۲. *Leber congenital amaurosis*

۱. *Luxturna*

نسل‌مانا

یونانی، آخرین وسوسه مسیح، مسیح باز مصلوب، برادرکشی، از آثار نیکوس کازانتزاکیس؛ زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند، اثر همینگوی؛ گل‌های معرفت و نمایشنامه‌هایی چون خیانت انیشتین، اولیس از بغداد، از آثار اریک امانوئل اشمیت^۷ و دیگر کتاب‌هایی که خوانده است می‌پردازد که علاقه‌مندان می‌توانند موضوع و معرفی کتاب‌ها را در پادکست بشنوند.

عابدی در پاسخ به این پرسش که نوشته‌های نویسندگان کدام کشور در میان مخاطبان شما یا حتی انتخاب خود شما اقبال بیشتری داشته‌اند؟ می‌گوید: کتاب‌هایی که از فرانسه و روسی به فارسی برگردانده شده، بیش از کتاب‌های اسپانیایی یا انگلیسی مورد پذیرش بوده‌اند. او دلیل این موضوع را این‌طور بیان می‌کند: شاید فرهنگ شرقی روس‌ها و ایرانی‌ها و مشترکات بین این دو فرهنگ، دلیل اشتیاق به کتاب‌های روسی باشد و در مورد کتاب‌های فرانسوی هم ارائه خوب ترجمه‌ها به‌واسطه مترجمانی است که تسلط بیشتری به فرانسه داشته‌اند. درنهایت عابدی امیدوار است که رسانه‌ای برای معرفی و انتقال کتاب‌هایی که تولید کرده است تشکیل شود تا نابینایان بیشتر و بهتر بتوانند آثار ضبط‌شده را بشناسند و مطالعه کنند. دعوتان می‌کنیم به شنیدن نسخه صوتی این گفتگو ذیل همین نوشته در وبگاه و صفحات نسل مانا در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی.

در پایان این شماره از نواک یادآور می‌شوم که اهل مطالعه می‌توانند برای تهیه کتاب‌های خود و نیز کتاب‌هایی که در پادکست‌های نواک معرفی می‌شوند، به بخش‌های نابینایان کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور مراجعه فرمایند.

می‌شمارد؛ انتخاب داستان و رمان خارجی اهمیت ویژه‌تری دارد. به عقیده کتابدار باید وظیفه خود بداند که به دنبال آثار فاخر در این ژانر ادبی باشد و آنها را برای مخاطبان به زیور صوت بیاورد.

سعید عابدی نخستین ملاک و معیار انتخاب کتاب برای تبدیل به نسخه صوتی را فاخر بودن آن کتاب می‌داند و اینکه می‌بایست کتاب در طول زمان شایستگی خود را به اثبات برساند. او می‌گوید: من معمولاً سراغ کتاب‌هایی که تازه به چاپ رسیده‌اند نمی‌روم، زیرا هم می‌خواهم حقوق ناشر حفظ شود و هم میزان ماندگاری اثر را بدانم و اینکه آیا راجع به آن نقد نوشته می‌شود یا نه و اینکه تا چه اندازه جدی گرفته می‌شود. پس از سنجیدن این موارد در صورت داشتن این معیارها برای گویاسازی کتاب اقدام می‌کنم.

عابدی در ادامه صحبت‌های خود از نویسندگانی چون نیکوس کازانتزاکیس^۱، رومن گاری^۲، آلفرد آندرش^۳ و تولستوی نام می‌برد که کتاب‌هایشان را به‌صورت نسخه صوتی در اختیار افراد نابینا قرار داده است. او ادامه می‌دهد: در انتخاب آثار ترجمه به نام و آوازه مترجمان نیز نظر داشته و به سراغ مترجمانی چون سروش جیبی، مرحوم ابوالحسن نجفی، شادروان محمد قاضی و دیگر مترجمان صاحب‌نام و کارآشنایی رفته است که قطعاً سراغ هر کتابی نرفته و در انتخاب کتاب‌های خود برای ترجمه، کتابی را برگزیده‌اند که برای فارسی‌زبانان ارزش ویژه و حرف خاصی داشته است.

سعید عابدی در ادامه این گفتگو به معرفی کتاب‌هایی چون **خانواده تیبو**، اثر روزه مارتن دوگار^۴؛ **بیابان تاتارها**، نوشته دینو بوتزاتی^۵؛ **ژان دوفلورت و دختر چشمه**، از مارسل پانیول^۶؛ **آزادی و مرگ**، سرگشته **راه حق** درباره زندگی فرانسیس قدیس، **زوربای**

^۵ .Dino Buzzati

^۶ .Marcel Pagnol (به فرانسوی)

^۷ .Eric-Emmanuel Schmitt

^۱ .Nikos Kazantzakis

^۲ .Romain Gary

^۳ .Alfred Andersch

^۴ .Roger Martin du Gard

تبعیض زیر نام برابری جولان می دهد جواد سقا: دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات

ساعت ۱۲:۴۰ روز جمعه ۱۵ دی ماه پیامکی با این مضمون به تلفن همراه ارسال شد: «صلاحیت جنابعالی از طرف هیئت محترم نظارت احراز نگردید.» علت را در همان روز حضور در هیئت نظارت برای ارائه توضیحات متوجه شدم؛ کم‌بینایی!

من یک شهروند کم‌بینا هستم، کارمند دولتم و تحصیلات عالی در سطح دکتری علوم ارتباطات دارم. هدفم از داوطلب شدن ارائه ایده‌های نو به منظور بهبود سطح رفاه اجتماعی همه همشهریان، با نگاه ویژه به جامعه فرهیخته و تحصیل‌کرده نایبانیان و کم‌بینانیان و سایر افراد دارای معلولیت بود. سابقه این تصمیم به روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که نمایندگانی بی‌خبر از این همه پیشرفت تصمیم گرفتند رأی به عدم حضور نایبانیان و کم‌بینانیان در مجلس شورای اسلامی بدهند؛ اسلامی که به مساوات و برابری میان همه انسان‌ها رأی داده است.

یکی از دلایل این مخالفت، در قرن هوش مصنوعی و پیشرفت‌های شگرف، عدم امکان نوشتن لوایح به خط بریل بود؛ آن‌هم در قرن بیست و یکم و در دنیای فناوری امروز که همه چیز با استفاده از پیشرفت فناوری‌های نوین ارتباطاتی در دسترس همگان است. دلیل دیگر آنها ناتوانی افراد دارای مشکل بینایی در انجام امور نمایندگی بود، حال آنکه با جستجوی مختصر در اینترنت با سیاست‌مدارانی در سایر کشورها آشنا می‌شویم که بدون محدودیت‌های قانونی تا سمت‌های وزارتی در سایر کشورها فعالیت کرده‌اند. در همین کشور خودمان آقایان علی صابری و مجتبی شاکری‌ها که نایبنا هستند در دوره‌های گذشته، با انتخاب مردم شهر به عضویت شورای شهر تهران درآمدند. چرا چنین افرادی نباید اجازه فعالیت در عرصه‌های بالاتر و تأثیرگذار را داشته باشند؟

در همان مجلسی که این قانون تبعیض‌آمیز را تصویب کرد، یکی از مخالفان حضور افراد نابینا و کم‌بینا در مجلس بیان کرده بود که ما به جای رأی مثبت به این قانون باید در پی حقوق شهروندی آنان باشیم؛ غافل از اینکه تصویب این

قانون حقوق اولیه شهروندی را زیر پا می‌گذارد. نماینده‌ای در مخالفت با این حضور گفته بود: اگر قرار است با تصویب قانون حضور نایبانیان و کم‌بینانیان در مجلس به این افراد احترام گذاشته شود، می‌توان در عرصه‌های مختلف دیگر به این افراد احترام گذاشت. در پاسخ باید گفت: در کدام عرصه برادر؟! در مردمی‌ترین میدان حضور، یعنی نمایندگی مجلس که هرکس آزاد است در آن شرکت کند، عرصه را تنگ کردید، آن‌وقت شعارهای رنگارنگی سر می‌دهید؟!

آیا دیگران برای آینده ما صلاحیت تصمیم‌گیری دارند و خودمان از حق تصمیم‌گیری محرومیم؟ آیا فقط حضور ما برای پرشور نشان دادن انتخابات لازم است و دیگر هیچ؟ شاید چشمانم به خوبی شما نبیند، اما ذهن پویایی دارم، از ادراک بالایی برخوردارم و در تفسیر مسائل قدرتمندم، در صورت لزوم حتی شاید بهتر از شما بتوانم راه‌حل ارائه دهم و گره کور مشکلاتی را که شما قادر به حل آن نیستید، به آسانی باز کنم. من در جامعه به امان خود رها شده‌ام، زندگی خانوادگی را می‌چرخانم و از پس تمام مشکلات ریز و درشتی که همه با آن دست به گریبان‌اند تا امور خود را بگذرانند برآمده‌ام، اما طنز تلخی است که به بهانه برنیامدن از امور نمایندگی مجلس، مهر عدم احراز صلاحیت بر من بزنید. اگر عدالت‌محوری تنها یک شعار جذاب نبود و اگر اصل برابری در جامعه رعایت می‌شد، اگر قوانین تبعیض‌آمیز در جامعه‌ای که داعیه عدل علی دارد حکم‌فرما بود، بسیاری از افراد به‌ظاهر بینا باید جای خود را به داوطلبان نابینا و کم‌بینایی توانمند می‌دادند. چرا فرصتی داده نمی‌شود تا نایبانیان و کم‌بینانیان خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهند؟ من نمی‌دانم بر اساس کدام حق و کدام عدالت من شهروند کم‌بینا باید از حضور در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی منع شوم!

تصویب این قانون روزی ناخوشایند را برای جامعه‌ای مظلوم در هیاهوی عدالت‌طلبانه سیاسیون رقم زد. شما با استفاده از ادراک بینایی خود بر افراد نابینا و کم‌بینا اعمال قدرت کردید نه مصلحت‌اندیشی، حال آنکه فاصله توانمندی و ناتوانی در میان افراد جامعه اندک است. گاهی افراد به‌ظاهر سالم بسیار ناتوان‌تر از کسانی هستند که با اعمال قدرت سلامتی خود آنان را «کم‌توان» می‌نامید.

فرصت‌ها را نسوزانید

هفته پیش ما را دعوت کردند برویم مثل همیشه یکی از مشکلات بزرگ نابینایان، یعنی اشتغال را حل کنیم برود پی کارش. حکماً مستحضر هستید ما بارها و بارها این مشکل را حل کرده‌ایم، اما نمی‌دانیم چرا بازهم کار خراب می‌شود و ما باید برویم درستش کنیم. این مجلس، توسط یک دانشگاه برجسته تدارک دیده شده بود که انصافاً به‌عنوان نهادی که مستقیم به کوران ربطی ندارد، کارش درست است و همیشه کمک‌کننده بوده، اما نمی‌دانم چرا در برنامه‌ریزی‌هایش از ما مشورت نگرفته بودند که طوری برنامه بریزیم که طوری نشود که نگویند طوری شده.

باری، روز قبل همایش سرکاری کوران، به ما گفتند که در این مجلس، همه کوران برجسته و دانشمندان کله‌گنده حوزه سرکار گذاشتن ملت و کورشناسان و کورباوران و کوردلان و ... حضور خواهند داشت، حتی آن‌قدر برنامه‌ریزی این دوستان دقیق بود که رئیس صنف کوره‌داران را هم دعوت کرده بودند تا هیچ کوری از قلم نیفتد.

با این اوضاع، راستش ما انتظار داشتیم حداقل سیصدچهارصد نفر در جلسه حضور داشته باشند، چون مقامات عالی دانشگاه و همه مسئولان بلندپایه حوزه کوران دعوت شده بودند. تازه وقتی بحث به سرکار گذاشتن می‌رسد، انتظار این است که همه کوران جویای کار بیایند، شاید کلاهی از این نمد برایشان دربیاید، اما زهی خیال باطل! وقتی ما رسیدیم، سالن آن قدر خلوت بود که گمان کردیم آدرس را اشتباه آمده‌ایم. برگزارکنندگان که دیدند در موعد مقرر هیچ‌کدام از مدعوان نیامده‌اند، جلسه را به سبک ژاپنی با یک ساعت تأخیر شروع کردند.

تا اینجای کار، کمیت برنامه که تعریفی نداشت و امیدوار بودیم کیفیت جبران‌کننده باشد، اما بازهم کور خوانده بودیم. من نمی‌دانم چرا کار به معلولیت که می‌رسد،

استاد دانشگاه و بقال و پزشک و چقال، همه اطلاعاتشان به یک اندازه می‌شود. گویی به عمرشان نه معلول دیده‌اند و نه اسمی از آن شنیده‌اند. همه می‌شوند کلیشه و تمام!

در ابتدا مدیر و بنیان‌گذار این همایش که خود تحصیل‌کرده و به قول خودش درآشنا بود، صحبت‌هایی وزین داشت که ما را به یاد احمدآقا، قصاب سر کوچه‌مان، می‌انداخت. بعد نوبت فرمانده دانشگاه شد. ایشان هم که بیشتر فرمانده هستند تا استاد دانشگاه، تفاوت‌چندانی با همان بنده‌خدای پیشین نداشت، البته همین که خود فرمانده دانشگاه، شخصاً، در این جلسه حضور پیدا کرده بود، بسیار جای تقدیر داشت.

تا اینجای کار ما هنوز امیدمان را از دست نداده بودیم و خودمان را دلداری می‌دادیم که این اتفاقات طبیعی است. اساتید و فرماندگان سر و کار چندانی با معلولان ندارند و نتیجتاً اطلاعات زیادی هم از این افراد ندارند. کتاب خواندن و مطالعه هم که در این وضعیت، در نادر است. حالا ایشالا مدعوان بعدی که متخصصین امر هستند، حتماً جبران می‌کنند.

با همین خودگویی‌های تخیلی خودمان را آرام می‌کردیم که یکی از اساتید میکروفون را گرفت. استاد فارغ‌التحصیل کورآموزی از دانشگاه پیشیگان و مؤلف هجده جلد کتاب درباره کوران و احوالات آنان بودند و به گفته خودشان ۲۵ سال سابقه تدریس در دانشگاه کورشناسی داشتند و دوازده هزار کوردان به جامعه تحویل داده بودند. شروع به صحبت که کردند، گفتیم: صد رحمت به همان فرمانده و بقال! ایشان فرمودند: روشن‌دلان قادر هستند هجده میلیون شماره تلفن را حفظ کنند و تازه خودشان دانشجویی داشته که روشن‌دل بوده، اما کاملاً فرق بین شب و روز را می‌فهمیده و تازه ساعت هم بلد بوده است! وقتی استاد این سخنان وزین را می‌فرمودند، ما همه‌اش کله مبارکمان را به لبه میز می‌کوبیدیم شاید زودتر بتوانیم از این دنیا رخت بر بندیم.

نسل‌مانا

بسیار پرخیر و برکت بوده است. ایشان در ادامه فرمایشات گهربارشان فرمودند: تنها راه مبارزه با دشمن، ازدواج و فرزندآوری است؛ لذا دوستان بزرگوار نیز بروند ازدواج بکنند تا مشکل اشتغال و مسکنشان هم اتوماتیک حل بشود.

کار که به اینجا رسید، ما دیگر همه چیز را بر باد رفته تلقی کردیم. راستش اول کار ما تصور می‌کردیم این همایش که با ابتکار دانشگاه و با حضور مقامات اصلی آن برگزار شده و از ما به‌عنوان یک شخص متخصص موشکاف دعوت شده است، فرصت مناسبی است تا مشکلات اشتغال کوران را به‌صورت علمی و سیستماتیک دنبال کنیم، اما ظاهراً مثل همیشه کور خوانده بودیم. واقعاً چقدر راحت برخی دوستان، از جمله دوستان گرام ما در سازمان فخریه فرصت‌ها را می‌سوزانند! ای کاش این عزیزان بیشتر قدر ما را می‌دانستند و از دانش بی‌پایان ما استفاده می‌کردند تا متوجه‌شان می‌کردیم که برنامه‌ریزی دقیق و درستی داشته باشند و حالا که مقامات دانشگاه در بالاترین سطح حضور داشتند، رئیس معظم سازمان فخریه را مجبور می‌کردند چند صبحی دست‌بوسی سایر مقامات را به تعویق بیندازد و خودش، شخصاً، به‌همراه کارشناسان مرتبط در این جلسه شرکت کند تا شاید چیزی از ته این جلسه بیرون بیاید!

ما که دیدیم صحبت کردن و حضور در این مجلس دیگر فایده‌ای ندارد، عصایمان را برداشتیم و خواستیم به نشانه اعتراض جلسه را ترک کنیم که یکی از دوستان جلو آمدند. ما گمان کردیم ایشان قصد پادرمیانی دارند و تمایل دارند از صحبت‌های گوهربار ما نیز بهره ببرند. دوست گرمی دهان مبارکشان را نزدیک گوش ما آوردند و با لحنی اغواکننده گفتند: آقای موشکاف! ناهار چلوکباب تدارک دیدیم. بفرمایید بشینید، الان غذا می‌آریم! ما که بسیار گشنه بودیم، از این صحبت منطقی کاملاً قانع شدیم و مثل بچه خوب ساکت نشستیم و چلوکبابمان را تا ته خوردیم. امیدواریم مجالس بعدی چرب‌تر برگزار شود!

سپس استاد دوم شروع به صحبت کردند. ایشان هم که بنیان‌گذار رشته کاردانی کوردانی در دانشگاه دورقوزآباد بودند و ۲۵ جلد کتاب درباره کوران، از زبان آنگولایی، ترجمه کرده بودند و همه چیز را درباره کوران و کوردلان می‌دانستند، فرمودند روشن‌دلان آسمانی و از بقیه معلولان باشعورتر و فهمیده‌تر هستند و خیلی خوب‌اند و تازه همین که می‌شنوند خودش از هیچ‌چی بهتر است.

باید اعتراف کنیم صحبت‌های استاد دوم، بسیار فلسفی‌تر بود و مثل فیلم‌های محسن مخملباف، نمی‌شد با یک‌بار شنیدن به معنای اصلی آن پی برد؛ به همین دلیل ما بعد از گذشت یک هفته هنوز داریم فکر می‌کنیم ایشان چه چیزی فرمودند و هنوز به جواب قاطع نرسیده‌ایم. اگر رسیدیم خبرتان می‌کنیم.

بعدش اما مثل همیشه، نوبت به سازمان فخریه رسید. با توجه به اینکه جلسه در سطح عالی برگزار شده بود و همه مقامات در بالاترین سطح شرکت کرده بودند، از رئیس محترم سازمان هم دعوت شده بود تشریف بیاورند که ظاهراً ایشان به دلیل مشغله فراوان و کم‌اهمیت بودن موضوع، مأموریت را به معاونت توان‌بخشی واگذار کرده بودند که ایشان هم به دلیل کم‌اهمیت بودن موضوع و مشغله فراوان، حضور را به کارشناس مسئول حوزه مربوطه محول کرده بودند که البته ایشان هم به همان دلایل، مسئولیت را بر روی دوش نفر بعد انداخته بودند و این سلسله‌مراتب تا جایی ادامه پیدا کرده بود که شخص آخر دیگر زیردستی نداشته که این موضوع را به او واگذار کند؛ به همین دلیل مجبور شده بود خودش به جلسه بیاید، آن‌هم با یک ساعت تأخیر!

فرستاده محترم سازمان فخریه پس از سلام و درود به همه غایبان جلسه، از همه به‌خاطر قصورات سایر سازمان‌ها، به‌جز سازمان فخریه خود، عذرخواهی کرد و فرمود: همه مشکلات کشور، از جمله بیکاری و نابسامانی در اشتغال روشن‌دلان آسمانی، به دلیل تحریم‌های کمرشکن و ظالمانه دشمن اتفاق افتاده که البته برای ما



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶